



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

پایہ نہم

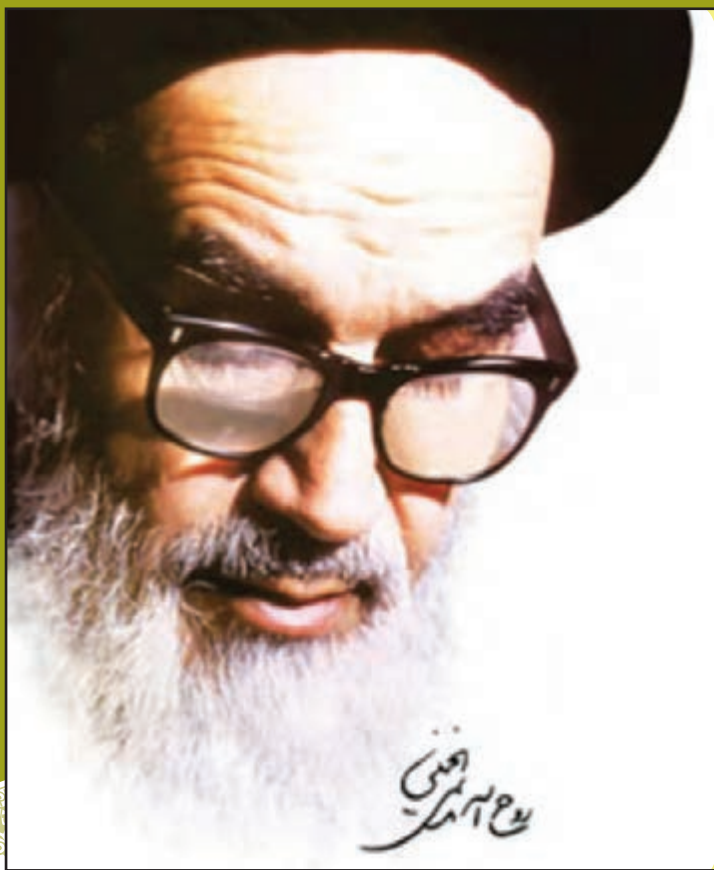
دورہ اول متوسّطہ





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	عربی، زبان قرآن - پایه نهم دوره اول متوسطه - ۹۰۹
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	محمی‌الدین بهرام محمّدیان، علی‌جان‌بزرگی، علی‌جراغی، حسن حیدری، علی‌اکبر روشندل، فاطمه فهیمی، مهری‌السادات میرحسینی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی) عادل اشکیوس، حبیب تقوایی، اباذر عباچی و حمید محمّدی (اعضای گروه تألیف) - محمّدکاظم بهنیا (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمّد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - جواد صفری (طراح گرافیک) - مریم کیوان (طراح جلد) - سوروش سعادت‌تمندی (صفحه‌آرا) - محمّد مهدی ذبیحی فرد، حبّات‌الله عباسی، آزاده امینیان و ابوالفضل بهرامی (عکاسان) - رعنا فرج‌زاده دروئی، الهام جعفرآبادی، فاطمه پزشکی، مریم دهقان‌زاده و فاطمه رئیس‌یان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
جایخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ هشتم ۱۴۰۱
شابک	شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۲۲-۰ ISBN 978-964-05-2422-0
کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت جایی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکرار به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.	



لغت عربی از ماست. لغت عربی لغت اسلام است.

صحیفه امام خمینی (قُدّس سرُّه). جلد ۱۱. صفحه ۲۲۷

١١	مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
٢١	الْعُبُورُ الْأَمِنُ	الدَّرْسُ الثَّانِي
٣٧	جِسْرُ الصَّدَاقَةِ	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ
٤٩	الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
٦١	الرَّجَاءُ	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
٧٥	تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ	الدَّرْسُ السَّادِسُ
٨٧	ثَمَرَةُ الْجِدِّ	الدَّرْسُ السَّابِعُ
٩٩	حَوَارِ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
١١١	نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
١٢٥	رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ



دبیر باید برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه هفتم و هشتم را تدریس کرده باشد؛
۲. دوره آموزشی - توجیهی (حضوری یا مجازی) را گذرانده باشد؛
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را مطالعه کرده باشد.

خدای مهربان را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش سومین کتاب درسی عربی، زبان قرآن به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم.

رویکرد «برنامه درسی عربی» بر اساس «برنامه درسی ملی» این است:

«**پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی**»

شیوه کتاب متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده عربی را در حد ساختار خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب ۲۲۹ واژه جدید به کار رفته؛ اما بخش بسیاری از ۵۷۳ واژه عربی هفتم و هشتم نیز در آن تکرار شده است؛ پس در حقیقت هدف سه کتاب عربی دوره اول متوسطه، آموزش حدود ۸۰۰ واژه پرسامد زبان عربی است.

کتاب بر اساس اسناد بالادستی، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، نقشه راه برای تألیف همه کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده نقشه راه برای تألیف کلیه کتاب‌های درسی عربی است.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین و کتاب‌های آموزش زبان سایر کشورها توجه شده است.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات، متون و تمرین‌های کتاب افزون بر آموزش زبان عربی، به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزش‌یابی کتاب

۱ کتاب عربی پایه نهم در ده درس تنظیم شده است و هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۲ این کتاب همچون دو کتاب عربی پایه هفتم و هشتم متن‌محور است و بر ترجمه، درک و فهم و واژه‌شناسی تأکید می‌شود.

۳ ساختار آموزشی کتاب، افزون بر یادآوری مفاهیم دو کتاب پیشین، فعل‌های امر و نهی، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات و ساعت‌خوانی است. هدف در آموزش فعل، تنها شناخت انواع فعل است. دانش‌آموزان فعل را در جمله معنا می‌کنند. همچنین باید فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی و مستقبل را در جمله تشخیص دهند. هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند؛ مثال: «شاهدْتُ أَخِي الْعَزِيزَ فِي الْمَسْجِدِ». در وزن و حروف اصلی نیز به آموزش مفهوم دو وزن فاعِل و مَفْعول پرداخته شده است. همچنین در یکی از تمرین‌ها ماضی و مضارع باب‌های ثلاثی مزید آمده است. اما آموزش ثلاثی مزید مطلقاً از اهداف این کتاب نیست. این تمرین صرفاً جهت آشنایی مختصر و سطحی با این بحث است. در ساعت‌خوانی نیز فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده است و ساعتی مانند «چهار و بیست و پنج دقیقه» از اهداف کتاب نیست.

۴ آنچه را دانش‌آموز در زمینه قواعد ضروری نیاز دارد به تدریج خواهد آموخت؛ لذا نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

۵ کارهایی مانند اجرای گروهی مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۶ از بخش «أربعينيات» و «قرائيات» افزون بر ترجمه و کاربرد واژگان می‌توان در مهارت شفاهی به صورت گفت‌وگوی میان دانش‌آموزان نیز بهره برد. هدف حفظ عین عبارات این بخش نیست. فراگیر می‌تواند تغییراتی مانند کاهش و افزایش در متن انجام دهد.

۷ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده است. لذا به ویژه از اولیای دانش‌آموزان که با سبک گذشته خو گرفته‌اند و می‌خواهند به فرزندانشان کمک کنند درخواست می‌شود به این مطلب مهم توجه کنند. آموزش ضمایر و صیغه‌های افعال بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هُما، هُم، هي، هُما، هُنَّ، أنت، أنْتِما، أنْتُمْ، أنتِ، أنْتِما، أنْتُنَّ، أنا، نَحْنُ) هرچند تدریس فعل به شیوه بومی‌سازی است؛ اما اشکالی ندارد که در پایان آموزش به منظور تثبیت آموخته‌ها به شیوه مرسوم در صرف عربی عمل کرد؛ اما هدف حفظ طوطی‌وار صرف فعل نیست. دانش‌آموز باید ضمایر متصل (شناسه‌ها) را بشناسد؛ مثلاً با دیدن «تُمْ» در فعل‌هایی مانند «كُتِبْتُمْ»، «دَهَبْتُمْ» و «جَلَسْتُمْ» و دیدن «تَ + ... و نَ»

در فعل‌هایی مانند «تَكْتُبُونَ»، «تَذْهَبُونَ» و «تَجْلِسُونَ» معنای آنها را تشخیص بدهد. نه اینکه فعل‌های ماضی یا مضارع را صرف کند تا به «فَعَلْتُمْ» و «تَفْعَلُونَ» برسد، آنگاه معنای آنها را تشخیص بدهد.

همین‌که دانش‌آموز فعلِ «ذَهَبُوا» را در جمله‌ای مانند «الطُّلَابُ ذَهَبُوا إِلَى مَدْرَسَتِهِمْ» یا فعلِ «إِذْهَبُوا» را در جمله‌ای مانند «أَيُّهَا الطُّلَابُ، إِذْهَبُوا إِلَى صُفُوفِكُمْ» درست معنا می‌کند و فرقِ «إِذْهَبُوا» را با «ذَهَبُوا» می‌داند، هدفِ آموزشی برآورده شده است و نیازی نیست که در ارزشیابی از او بخواهیم صیغۀ «ذَهَبُوا» را «جمع مذکر غایب» یا معادلِ «سوم شخص جمع» بگوید. هرچند در تدریس از این اصطلاحات استفاده می‌کنیم؛ اما نباید آنچه که وسیله‌ای برای فهم بهتر فعل است، خودش به هدف اصلی تبدیل شود. آموزش و ارزشیابی از فعل در قالب جمله است. یکی از راه‌های موفق در تدریس فعل شیوۀ نمایشی است.

دبیر مجاز است حلّ بخشی از تمرینات را برعهده دانش‌آموز بگذارد و در کلاس رفع اشکال کند تا دچار کمبود وقت نشود.

فعالیّت اصلی برای یادگیری برعهده دانش‌آموز است و دبیر نقش راهنمای آموزشی دارد؛ برای نمونه ترجمۀ متن درس را دانش‌آموز انجام می‌دهد و در کلاس، اشکالات خود را برطرف می‌کند.

بهترین راه برای موفقیت در درس عربی، مطالعه قبل از تدریس معلّم است.

این کتاب مکمل و پشتیبان آموخته‌های دو کتاب پیشین در زمینه واژگان و ساختار است. در بخش «بدانیم» آموزش ساختار زبان به کمک تصاویر صورت گرفته است. هدف از دو بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند.

گرچه در بخش «الْمُعْجَم» آغاز هر درس مضارع فعل‌هایی مانند «قَالَ»، «دَعَا» و «أَجَابَ» نوشته شده است ولی ساختن فعل مضارع این فعل‌ها از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز فقط باید فعل ماضی و مضارع را بشناسد و معنای آن را بداند؛ مثلاً در «قَالَ - يَقُولُ» لازم نیست بداند مضارع فعل «قَالَ» چیست؛ بلکه باید بداند معنای «يَقُولُ» چیست. او باید در اثر تکرار کلمات در متن کتاب به تدریج «قَالَ - يَقُولُ» را بشناسد.

از طرح سؤال در زمینه «ترجمۀ فارسی به عربی» خودداری شود.

«ساخت جمله عربی» مدّ نظر نیست (اما در بخش مکالمه یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ اما در مکالمه دانش‌آموز باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا دو کلمۀ ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی رعایت ظرافت‌های دشوار و فتی زبان فعلاً لازم نیست).

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غایب» یا «جمع به مفرد یا مثنی» و موارد مشابه از اهداف این کتاب نیست و باید از طرح چنین سؤالاتی در هر آزمونی خودداری کرد؛ مثال:

این جمله را به مضارع تبدیل کنید: دَهَبْتُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ وَأَنْتَ مَا دَهَبْتَ.

جمله زیر را با توجه به کلمات داده شده بازنویسی کنید:

اَكْتُبْ وَاجِبَكَ يَا أَخِي.

... یا أَخِي. ...

۱۴ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۵ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. به جای این‌که وقت دانش‌آموز صرف نوشتن شود باید بیشتر صرف مهارت‌های زبانی خواندن، شنیدن و فهمیدن گردد. رونویسی دروس و املا در هیچ یک از سه کتاب عربی لازم نیست.

۱۶ از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا همه کتاب‌های درسی عربی متوسطه دوم ادامه و مکمل روش این کتاب هستند.

اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.



أَيُّتْهَا الطَّالِبَاتُ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.



أَيُّهَا الطُّلَابُ، أَلْسَلَامُ عَلَيكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.



اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ؛
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



أَهْلًا وَ سَهْلًا بِالْخَرِيفِ



مراجعةُ دروس الصفِّ السابعِ وَ الثَّامنِ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه جدید)

یادگیری معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق شود.

آمین:	ایمن الْعُبُورُ الْأَمِينُ: عبور و مرور ایمن	سأل:	درخواست کرد، پرسید (مضارع: يَسْأَلُ)
ابتداءً:	شروع شد (مضارع: يَبْتَدِئُ)	صعاب:	سختی‌ها «مفرد: صَعَبٌ»
أَتَمْنِي:	آرزو می‌کنم	عام:	سال عامٌ دراسيٌّ: سال تحصیلی
بَنِينَ:	پسران	قيام:	برخاستن
تَخَرَّجَ:	دانش‌آموخته شد (مضارع: يَتَخَرَّجُ)	مَمَات:	مرگ = مَوْت ≠ حیاة
تَلَامِيذَ:	دانش‌آموزان «مفرد: تَلْمِيذٌ»	مَمَرُ الْمَشَاةِ:	گذرگاه پیاده (مُشَاةٌ یعنی پیادگان و جمع مَاشِي است.)
حُذِّ:	بگیر، بردار، ببر (ماضی: أَخَذَ / مضارع: يَأْخُذُ)	مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ:	پارک آموزش ترافیک
دِرَاسَة:	تحصیل، درس خواندن «دِرَاسِيٌّ: تحصیلی»	نَبَقَى:	می‌مانیم (ماضی: بَقِيَ / مضارع: يَبْقَى) تَبَقَّوْنَ: می‌مانید
دَرَسَ:	درس داد (مضارع: يُدَرِّسُ)	ها:	هان
ذَهَابَ:	رفتن تُرِيدُونَ الذَّهَابَ: می‌خواهید بروید	يُحَذِّرُ:	هشدار می‌دهد (ماضی: حَذَّرَ)
رَصِيفَ:	پیاده‌رو	يَمْشُونَ:	راه می‌روند (ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)
زَادَ:	زیاد کرد، زیاد شد (مضارع: يَزِيدُ)		
زَارَ:	زیارت کرد (مضارع: يَزُورُ)		

أَهْلًا وَ سَهْلًا

- 1 يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛
- 2 هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرَّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرَّ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِنِ؛
- 3 الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ النِّبَاتِ. يَبْتَدِئُ فَصْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

4 أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي

5 أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي

6 أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي

7 مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ

8 فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ

9 يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ

10 هَا كُتِبِي أَنْوَارُ سَمَائِي مَرَحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي

11 أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أُمُورِي فَاسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُورِي

خوش آمدید

- 1 سال تحصیلی جدید آغاز می شود. دانش آموزان پسر و دختر با شادمانی به مدرسه می روند.
- 2 آنها کیف ایشان را چک می کنند و روی پیاده رو راه می روند و برای عبور ایمن از خط عبور پیاده روی می کنند.
- 3 خیابان را پر است از پسران و دختران. فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فعل
- دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.
- 4 با نام خدا استغفار را آغاز می کنیم
- 5 با نام خدا درس بگیریم را آغاز می کنیم
- 6 با نام خدا کتابم را می خوانم
- 7 مکتب ما روشنی و زندگی است
- 8 در آن دانش ها، در آن کمال است
- 9 دانشمندان از آن فایز تحصیل می شوند
- 10 ها کتابهای روشنی های آسمان هستند
- 11 با نام خدا ما را به آغاز می کنیم
- پروژه های ما را به تمام ایستادم یاد می کنیم
- پروژه های ما به تمام نشستم یاد می کنیم
- راه حل مشکلاتم را از پروژه های ما می خواهم
- در آن دعا ، در آن نماز است.
- در آن گنج ها ، در آن زیبایی است.
- و در آن حکیمان تدریس می کنند
- مهربانی اند ، گنجند ، مانند دارویم هستند
- پس نام خدایم شادمانی ام را یاد می کنند

التَّمارِين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجّه به تصویر پاسخ دهید.



هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟

نَعَمْ



مَاذَا عَلَى الشَّجَرَةِ؟

طَائِرٌ



لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟

لِلْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ



أَيْنَ مُسْتَشْفَى بَغْدَاد؟

فِي شَارِعِ فِضَالٍ



كَمْ حافلةً فِي المَوْقِفِ؟

أربعة



جابرُ بْنُ حَيَّانَ عالمُ الكيمياءِ

فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا العَالِمُ مَعْرُوفٌ؟

فِي عِلْمِ الكيمياءِ



مَتَى تَلْعَبْنَ كُرَّةَ المِنْضَدَةِ؟

فِي السَّائَةِ الثَّامِنَةِ



پارک آموزش ترافیک

هَلْ هُنَا مَنطَقَةُ تَعْلِيمِ المُرُورِ؟

نَعَمْ



بِمَ يَسَافِرُ الحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ المُكَرَّمَةِ؟

بِالطَّيَّارَةِ



يَا تَلْمِيزَاتِ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟

فَحَسْبُ النِّجْمِ

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

١. واحد - اثنان - ثلاثة - أربعة - خمسة - ستة - سبعة - ثمانية - تسعة - عشرة - أحد عشر - اثناعشر
٢. الأول - الثاني - الثالث - الرابع - الخامس - السادس - السابع - الثامن - التاسع - العاشر - الحادي عشر - الثاني عشر
٣. يوم السبت - الأحد - الإثنين - الثلاثاء - الأربعاء - الخميس - الجمعة
٤. الربيع - الصيف - الخريف - الشتاء
٥. أَلْفَطُور فِي الصَّبَاحِ - أَلْعَدَاءُ فِي الظُّهْرِ - الْعِشَاءُ - فِي اللَّيْلِ

٣ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

١. مَنْ أَنْتَ؟
أنا طالب - أنا طالبة
٢. كَيْفَ حَالُكَ؟
أنا بخير
٣. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
أنا من إيران
٤. فِي أَيِّ صَفٍّ أَنْتَ؟
في الصف التاسع
٥. مَتَى يَبْدَأُ الْعَامُ الدَّرَاسِيُّ فِي إِيرَانَ؟
في الخريف

٤ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

ما موفق شدیم

١. (هُم) ☐ (نَحْنُ) ☒ نَجَحْنَا.

آنها یاری کردند

٢. (هُم) ☒ (أَنْتُمْ) ☐ يَنْصُرُونَ.

تو دروغ نمی گویی

٣. (أَنْتَ) ☒ (أَنْتُمْ) ☐ لَا تَكْذِبُ.

شما رسیدید

٤. (هُنَّ) ☐ (أَنْتُمْ) ☒ وَصَلْتُمْ.

آنها می توانند

٥. (أَنْتُمْ) ☐ (هُنَّ) ☒ يَقْدِرْنَ.

او نزدیک نشد

٦. (هِيَ) ☒ (أَنْتِ) ☐ مَا قَرُبْتَ.

٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

١. مَوْظَفَةٌ ☐ طَبِيبَةٌ ☐ طَبَاخَةٌ ☐ حَقِيبَةٌ ☒

٢. مُحَافَظَةٌ ☐ قَرْيَةٌ ☐ مَدِينَةٌ ☐ عَامِلٌ ☒

٣. بِنْتُ ☐ أُخْتُ ☐ لَوْنٌ ☒ جَدَّةٌ ☐

٤. قَدَمٌ ☐ قَوْلٌ ☒ يَدٌ ☐ عَيْنٌ ☐

٥. بَقَرَةٌ ☐ جَنَّةٌ ☒ فَرَسٌ ☐ سِنْجَابٌ ☐

٦. أُسْرَةٌ ☒ قَمَرٌ ☐ گَوَّگَبٌ ☐ شَمْسٌ ☐

٧. أُسْبُوعٌ ☐ ذَهَبٌ ☒ شَهْرٌ ☐ سَنَةٌ ☐

٨. تَفَّاحٌ ☐ رُْمَانٌ ☐ تَمْرٌ ☐ سَحَابٌ ☒



٦ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنيد. «یک کلمه اضافه است.»

- | | | | |
|---------------------|---|---|---|
| ١. كُرَةُ الْقَدَمِ | ● | مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْغَدَاءَ وَالْعِشَاءَ. | ● |
| ٢. الْمُحَافَظَةُ | ● | طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ. يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتِ مِنَ الْخَطَرِ. | ● |
| ٣. الْمَطْعَمُ | ● | هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ. | ● |
| ٤. الْمَسَاءُ | ● | رِيَاضَةٌ يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا. | ● |
| ٥. الْغَابَةُ | ● | أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ. | ● |
| ٦. الْغُرَابُ | ● | وَقْتُ نِهَآيَةِ النَّهَارِ وَبِدَايَةِ اللَّيْلِ. | ● |
| ٧. الضَّيْفُ | ● | | |

٧ التَّمْرِينُ السَّابِعُ:

در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

عَلَيْكَ - ذَهَبَ - الْجُلُوسُ - الْحَجَرُ - الْجَاهِلُ - الْأَمَانُ - الصَّعَابُ

١. أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَنْبِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
٢. أَعْلِمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّفْسِ فِي الْحَمْرِ أَلِإِمَامٍ عَلِيٍّ ؑ
٣. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
٤. الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ أَلِإِمَامٍ عَلِيٍّ ؑ
٥. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْبَهِيلِ أَلِإِمَامٍ عَلِيٍّ ؑ

۸ التَّمَرِينُ الثَّامِنُ:

متضادّ کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کثیر - لَئِل - نِهَايَة - قَرِيب - جَمِيل - صَدَاقَة - يَمِين - غَالِيَة - شِرَاء - قَرَح - كَذَب - حَارّ

رَخِيصَة ≠ غَالِيَة	بَعِيد ≠ قَرِيب	يَسَار ≠ يَمِين
بَيْع ≠ شِرَاء	بِدَايَة ≠ نِهَايَة	بَارِد ≠ حَارّ
حَزَن ≠ قَرَح	قَبِيح ≠ جَمِيل	صَدَق ≠ كَذَب
قَلِيل ≠ كَثِير	عَدَاوَة ≠ مَدَاقَة	نَهَار ≠ لَئِل

۹ التَّمَرِينُ التَّاسِعُ:

این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق - فَلَا حَانَ - شَجَرَة - رِيَاضِيُون - سَيِّدَات - مُدَرِّسَات

شَجَرَة	مفرد مؤنث
فَلَا حَانَ	مثنای مذکر
مُدَرِّسَات	مثنای مؤنث
رِيَاضِيُون	جمع مذکر سالم
سَيِّدَات	جمع مؤنث سالم
أوراق	جمع مکسر

الْأَرْبَعِينَات

الْشُّرْطِيُّ وَ الزَّائِرُ

- 1 - أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ!
- 2 - كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟
- 3 - إِلَى أَيِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ الدَّهَابَ؟
- 4 - كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجَفِ؟
- 5 - وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدْنِ؟
- 6 - أَتَمْنَى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً!
- 7 - خُذْ جَوَارِكَ، فِي أَمَانٍ إِلَه!
- شُكْرًا. سَاعَدَكَ اللَّهُ!
- نَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ.
- إِلَى النَّجَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.
- نَبْقَى يَوْمَيْنِ.
- فِي الْكَاطِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقِي فِي كَرْبَلَاءَ.
- حَفِظَكَ اللَّهُ!
- شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانٍ إِلَه وَ حَفِظَهُ!

مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا.

الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



١- كَأَنَّ، كَأَنَّمَا: كَوَيْ!

اربعمیات

پلیس و زائر

1 - خوش آمدید - ممنون خداقوت

2 - چند روز در عراق می مانید؟

- دو هفته می مانیم

3 - به کدام شهر می خواهید بروید؟

- به نجف و کربلا و کاظمین و سامرا

4 - چند روز در نجف می مانید؟

- دو روز می مانیم

5 - و چند روز در باقی شهر؟

- در کاظمین و سامرا دو روز و باقی را در کربلا

6 - برایتان زیارتی مقبول را آرزو مند

- خدا حفظ کند

7 - گزنامه ات را بگیر، در این خدا

- خیلی ممنون، در امان و محافظت خدا

8

هر که ما را در (زمك) مرگمان زیارت کند، گویی ما را در (زنا) زندگیمان زیارت کرده است

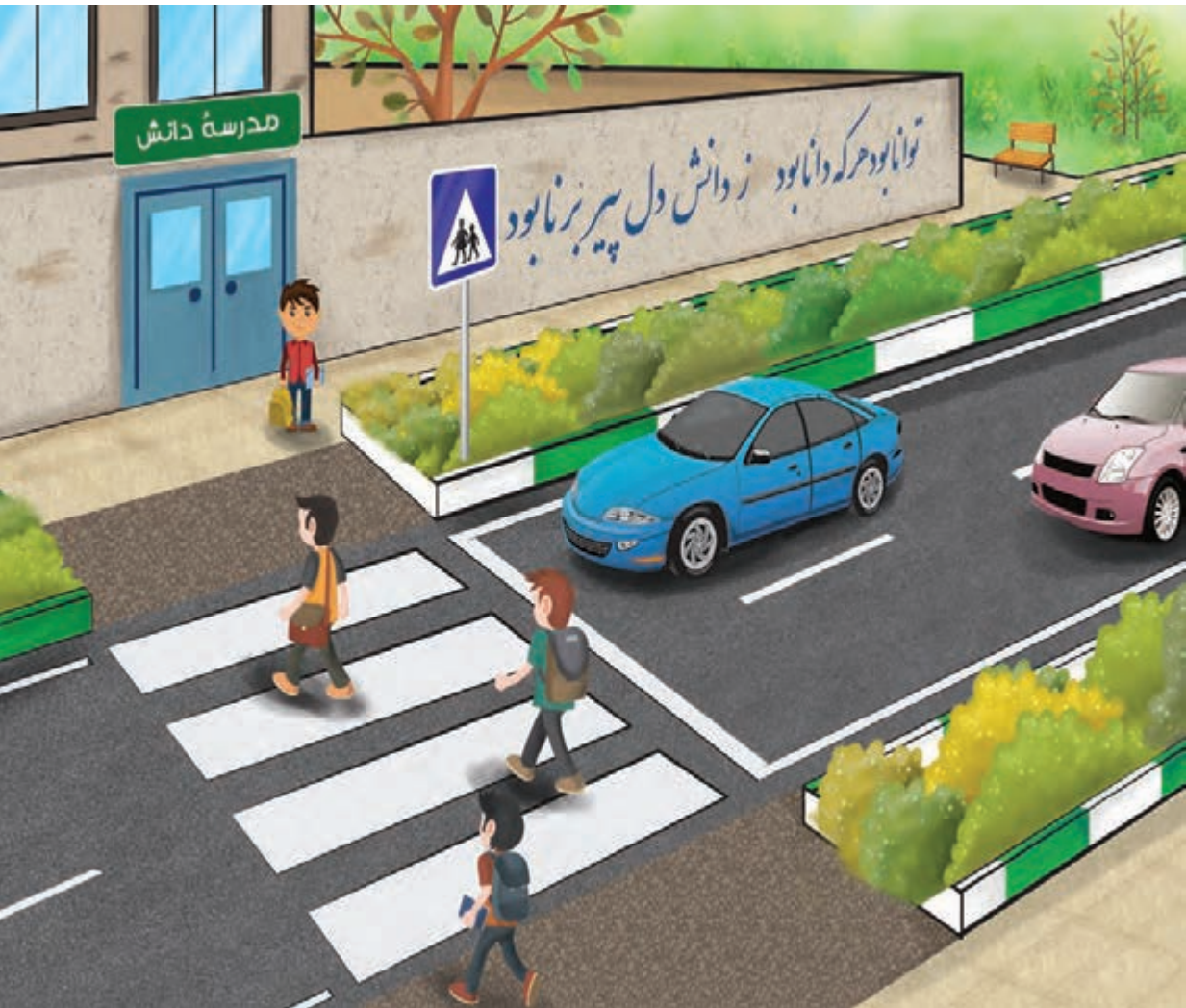
امام صادق (ع)



الدَّرْسُ الثَّانِي



الْعُبُورُ الْأَمِينُ



الدَّرْسُ الثَّانِي

الْمُعْجَم: (٢٩ كلمة جديد)

أَمَنَ:	ایمان آورد (مضارع: يُؤْمِنُ)	سَتَرَ:	پوشاند، پنهان کرد
أَحَبُّ:	محبوب ترین	شَاغِلُ الْجَوَالِ:	شارژر موبایل
إِشَارَاتُ الْمُرُورِ:	علامت های راهنمایی و رانندگی	شَقَاوَةٌ:	بدبختی
أَنْصَحَ:	اندرزگوترین	صَحِيفَةٌ:	روزنامه «جمع: صُحُف» صَحِيفَةٌ جِدَارِيَّةٌ: روزنامه دیواری
أَيُمْكِنُ أَنْ تَرْجِعَ:	آیا امکان دارد برگردی؟	صَدَمَ:	برخورد کرد (مضارع: يَصْدِمُ)
بُكَاء:	گریه کردن، گریه	فَجَاءَ:	ناگهان
تَالِي:	بعدی	قُبْح:	زشتی
تُعْطِينِي:	به من می دهی	لَقَدْ:	قطعاً
تَفَضَّلْ:	بفرما	لِمَ:	برای چه (لِ + ما)
تَكَلَّمَ:	صحبت کرد (مضارع: يَتَكَلَّمُ)	مَا:	آنچه
تَوَجَّدَ:	وجود دارد	مَحَلَّ:	مغازه
جِهَةٌ:	جهت (مسیر)	مَعَ الْأَسْفِ:	متأسفانه
ذَكِي:	باهوش	نَادَى:	صدا زد (مضارع: يُنَادِي)
رَقَدَ:	بستری شد، خوابید	هَادِي:	آرام
	(مضارع: يَرْقُدُ)	يَسُدُّونَ:	می بندند
			(ماضی: سَدَّ / مضارع: يَسُدُّ)

الْعُبُورُ الْأَمِنُ

1 رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ **2** عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِ**الْبُكَاءِ فَجْأَةً** وَ ذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ **3** ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ **تَكَلَّمَ** مَعَهُ وَ سَأَلَهُ:

«لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

4 أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟»

5 قَالَ: «نَعَمْ، أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَهَادِيٌّ.

مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟»

6 أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛

7 صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ؛ وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ **8** عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛

9 نَادَيْتُهُ؛ فَقَصَّدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ غَيْرِ مَمَرٍ الْمَشَاةِ؛ **10** فَقَرَّبَتْ

مِنْهُ سَيَّارَةٌ وَ صَدَمَتْهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.»

11 قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟»

قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ.»

12 فِي الْيَوْمِ التَّالِي، طَلَبَ الْمُدَرِّسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ **الْمُرُورِ** وَ رَسَمَ

إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي **صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ** وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشَّوَارِعِ وَ الطُّرُقِ.

13 ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مِنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

14 وَ بَعْدَ يَوْمَيْنِ، جَاءَ شُرَطِيُّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ **إِدَارَةِ الْمُرُورِ** لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ

طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ.

15 كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عِلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا.



عبور ایمن

- 1 سجاد با ناراحتی از مدرسه برگشت
- 2 بهنگامی که با خانواده اش در سفره نشست، ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت
- 3 پدرش به پیش رفت و با او صحبت کرد و از او پرسید: «چرا غذا نخوردی؟»
- 4 پاسخ داد: «آیا دوست من حسین رای شناسی؟»
- 5 گفت: «بله او رای شناسم او پسر باهوش و آکرای است چه اتفاقی برایش افتاده؟»
- 6 سجاد پاسخ داد: «او در بیمارستان بستری شده است»
- 7 ماشینی با او تصادف کرد. حادثه مقابل من اتفاق افتاد.
- 8 بهنگامی که او را در پیاده روی مقابل دیدم هدایش کردم
- 9 پس بدون نگاه به ماشین که و از غیر از خط عابر پیاده قصد عبور کرد.
- 10 پس ماشینی به او نزدیک شد و با او تصادف کرد. سرعت ماشین زیاد بود.
- 11 پدر گفت: «الان حالش چه جور است؟» سجاد گفت: «او زخمی است»
- 12 در روز بعد معلم از شاگردانش درخواست کرد نوشتن قوانین راهنمایی و رانندگی را و کشیدن
- 13 علامت راهنمایی و رانندگی را در روزنامه دیواری و رعایت کارهای صحیح در خیابان ها و راهها را.
- 14 سپس مدیر دانش آموزان را به محل آموزش راهنمایی و رانندگی برد.
- 15 بعد از دو روز پلیس از اداره راهنمایی و رانندگی به مدرسه آمد برای شرح علامت راهنمایی و رانندگی و از ایشان
- 16 عبور از خط عابر پیاده را درخواست کرد.
- 17 دانش آموزان روزنامه دیواری را نوشتند و علامت راهنمایی و رانندگی را کشیدند و معانی آن را شرح دادند.



درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس متن درس بنویسید.



۱. كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينَ الْمُرُورِ.



۲. الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مِنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.



۳. رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوَصَفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ.



۴. رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا.



۵. أَبُو سَجَادٍ مَا عَرَفَ حُسَيْنًا.

وزن و حروف اصلی



۱. بسیاری از کلمه‌ها در عربی سه حرف اصلی دارند؛ مثال:

حروف اصلی	کلمات هم‌خانواده
ح ك م	حَاكِم، مَحْكُوم، حَكِيم، حِكْمَة، مُحَاكِمَة، حُكُومَة، أَحْكَام
ع ل م	عَالِم، مَعْلُوم، عَلِيم، تَعْلِيم، أَعْلَم، عُلُوم، إِعْلَام

در کلماتی مانند «حاکم، محکوم، حکیم و...» سه حرف «ح ک م» به ترتیب تکرار شده‌اند.

به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می‌گویند.

شناختن حروف اصلی به املاي ما کمک می‌کند. با نگاه به هم‌خانواده‌های یک کلمه می‌توان به حروف اصلی آن پی بُرد؛ اگر با دقت به این کلمه‌ها «مَجَالِسَة / مَجَالِس / مَجْلِس / إِبْجَالَس / إِبْجَالَس / جُلُوس / جَلْسَة / جَلِيس» نگاه کنیم؛ درمی‌یابیم که به ترتیب سه حرف «ج ل س» در آنها مشترک است.

سه حرف اصلی این کلمات چیست؟

رافِع، مَرْفُوع، رَفِيع: ر ف ع
 ناظِر، مَنظُور، نَظِير: ن ظ ر
 قَادِر، مَقْدُور، قَدِير: ق د ر

حروفی که همراه حروف اصلی می‌آیند؛ «حروف زائد» نامیده می‌شوند.
 این حروف معنای جدیدی به کلمه می‌دهند.
 حروف اصلی کلمه‌ها به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» سنجیده می‌شوند.

مُ	ج	ا	لَ	سَ	ة	↔ مُجَالَسَة
مُ	ف	ا	عَ	لَ	ة	↔ مُفَاعَلَة

۲. بیشتر کلمات در زبان عربی وزن دارند؛ مثال:

وزن	کلمات
فَاعِل	نَاصِر عَارِف ظَالِم فَاتِح قَاتِل ضَارِب رَافِع
مَفْعُول	مَنْصُور مَعْرُوف مَظْلُوم مَفْتُوح مَقْتُول مَضْرُوب مَرْفُوع

کدام کلمه بر وزن فاعِل و کدام بر وزن مفعول است؟
 مَقْطُوع، حَامِد، عَابِد، مَذْکُور

با معنای دو وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول» آشنا شوید.

معمولاً وزن «فَاعِل» به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول»

به معنای «انجام شده» است؛ مثال:

حامد: ستاینده

مَحْمُود: ستوده شده

ترجمه کنید.

یا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ، یا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ!

ای سازنده هر ساخته شده، ای آفریننده هر آفریده شده.

التَّمارین

۱ التَّمَرینُ الْأَوَّلُ:

حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، مَعْبُود:	ع ب د	عبادت کننده	عبادت شده
فاتح، مَفْتُوح:	ف ت ح	گشایش گر	گشوده شده
کاتب، مَكْتُوب:	ک ت ب	نویسنده	نوشته شده
ضارب، مَضْرُوب:	ض ر ب	زنده	زده شده
خادم، مَخْدُوم:	خ د م	خدمت کننده	خدمت شده
شاهد، مَشْهُود:	ش ه د	بیننده	دیده شده

وزن کلمات جدول را بنویسید.^۱

ریشه	ماضی	مضارع	مصدر
خ ر ج	أَخْرَجَ	يُخْرِجُ	إِخْرَاجٌ
	أَتَمَّنَ	يُفَعِّلُ	إِفْعَالٌ
س ل م	سَلَّمَ	يُسَلِّمُ	تَسْلِيمٌ
	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلٌ
ع م ل	تَعَامَلَ	يَتَعَامَلُ	تَعَامُلٌ
	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُلٌ
ع ل م	تَعَلَّمَ	يَتَعَلَّمُ	تَعَلُّمٌ
	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّلٌ
خ د م	اسْتَحْدَمَ	يَسْتَخْدِمُ	اسْتِخْدَامٌ
	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتِفْعَالٌ
س ف ر	سَافَرَ	يُسَافِرُ	مُسَافَرَةٌ
	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	مُفَاعَلَةٌ
ك س ر	انْكَسَرَ	يَنْكَسِرُ	انْكِسَارٌ
	اِنْفَعَلَ	يِنْفَعِلُ	اِنْفِعَالٌ
ش غ ل	اشْتَغَلَ	يَشْتَغِلُ	اشْتَغَالٌ
	اِنْتَعَلَ	يَنْتَعِلُ	اِنْفِعَالٌ

۱- قابل توجه دبیر گرامی: هدف، آموزش فعل‌های ماضی و مضارع و نیز مصدر ثلاثی مزید نیست.

٣ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

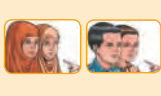
هر كلمه را به عبارت مرتبط با آن وصل کنید.

١. قَوَانِينُ الْمُرُورِ قَوَاعِدُ الْمُرُورِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ.
٢. الْمُسْتَشْفَى أَوْرَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى.
٣. الرَّصِيفُ جَانِبٌ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ.
٤. الصَّحِيفَةُ مَكَانٌ مُجَهَّزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى.
٥. الْبُكَاءُ جَرَيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ.

٤ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

هُوَ - هُمَا - هُمْ - هِيَ - هُنَّ - أَنْتَ - أَنْتُمَا - أَنْتُمْ - أَنْتِ - أَنْتُنَّ - أَنَا - نَحْنُ

من	هَما	
تو	أَنْتِ	
او	هُوَ	
ما	نَحْنُ	
شما	أَنْتُمْ	
ایشان	هَمَّ	
	أَنْتِ	
	هَمَّ	
	أَنْتُمَا	
	هَما	

٥ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

التَّالِي - جِدَارِيَّة - شَاحِنٌ - تَلْمِيذٌ - الدُّمُوعُ - حَدَثٌ

١. يا زَمِيلِي، ما بِكَ؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا حَدَثَ؟
٢. التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةِ جِدَارِيَّة.
٣. أَخِي تَلْمِيذٌ فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.
٤. الدُّمُوعُ جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطُّفْلِ.
٥. هَلْ عِنْدَكَ شَاحِنٌ الْهَاتِفِ الْجَوَّالِ؟

٦ التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه ها «ناهماهنگ» است؟

١. هَادِي ✓ سَيَّارَةٌ سَفِينَةٌ طَائِرَةٌ
٢. شَارِعٌ خَاتَمٌ ✓ رَصِيفٌ سَاحَةٌ
٣. أَكَلٌ ✓ رَأَى شَاهَدَ نَظَرَ
٤. مَاءٌ شَرَابٌ شَايٌ جَارٌ ✓
٥. يَدٌ لِسَانٌ سِنَّ نَادِي ✓



آیه و احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آن‌ها بیابید.

فَاعِلٌ: عالم يَفْعُلُ: يَسْتَرْ عِبَادَ سَعَادَةٍ: فَعَالَةٌ: سَعَادَةٌ
فِعْلٌ: علم فِعَالٌ: عِبَادَ

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ فاطر: ۳۸

قطعا خداوند دانای نهان آسمان و زمین است.

۲. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْقُبُ النَّسَبَ. أَلِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خوبی ادب زشتی نسب را می‌پوشاند

۳. إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

قطعا محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا خیر خواه‌ترین برای بندگان است.

۴. شَرُّ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَلِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

شرافت شخص به علم و ادب است نه به اصل و نسب

۵. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

از خوشبختی آدمیزاد خوش اخلاقی و از

بدبختی آدمیزاد بد اخلاقی است



متن زیر را بخوانید؛ سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیاوید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَعِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حَلَوَانِيٌّ. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ «سَرَاوَان» فِي مُحَافَظَةِ «سِيستَان وَ بَلوِشْتَان».

١. لِمَاذَا لَا تَذْهَبُ مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟

٢. مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنِينَ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟

٣. مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟

٤. مِنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةُ؟

٥. فِي أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟

٦. كَمْ أُخْتًا لِي إِسْحَاقُ؟

لَا تُنْمَا صَغِيرَتَانِ

هَاشِمُ

هَاشِمُ

سَرَاوَانُ

فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ

أُخْتَانِ



بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ ^{الْبَقَرَةُ: ۶۲}
 هر که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و کار نیک انجام دهد پس پاداشش نزد پروردگارش

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ ^{الْصَّف: ۲}
 ای کسانی که ایمان آورده اید چرا می گویید آنچه را که انجام نمی دهید

۳. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ ^{الْأَحْزَاب: ۲۱}
 قطعاً برایتان در فرستاده خدا الگوی نیکویی است

۴. ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ ^{الْبَقَرَةُ: ۱۸۶}
 هنگامی که بندگان من از تو بپرسند، پس قطعاً من نزدیک هستم.

۵. ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ ^{الْمُجَادَلَةُ: ۱۱}
 خداوند کسانی از شما که ایمان آورند را بالا می برد



الْأَرْبَعِينَات

- لا بَأْسَ.

- نَعَمْ؛ تَفَضَّلْ.

1 - أَيْمَكِنْ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

2 - عَفْوًا؛ أَعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟



- نَعَمْ.

- خَلَفَ هَذَا الْبِنَاءَ.

- لا، مَعَ الْأَسْفِ.

- لا بَأْسَ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

- عَلَى الْيَمِينِ.

- هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.

- مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ.

- تَفَضَّلْ.

3 - هَلْ يَسْدُونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

4 - عَفْوًا أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

5 - هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتُ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامَرَاءَ؟

6 - أَيْمَكِنْ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟

7 - أَيْنَ الْحَرَمُ؟

8 - أَيُّ جِهَةٍ بِلَا ازْدِحَامٍ؟

9 - مِنْ أَيْنَ أَشْتَرِي شَاخِنَ الْجَوَالِ؟

10 - أَيْمَكِنْ أَنْ تُعْطِينِي شَاخِنَ الْجَوَالِ؟

اربعینات

- 1 - آیا ممکن است کسی بر بردی؟ - ایرادی ندارد.
- 2 - بخشید آیا جای راسی دهی تا اینجا بنشینم؟ - بله بفرما.
- 3 - آیا در ب حرم امشب می بنند؟ - بله.
- 4 - بخشید ایستگاه ماشین های حرم دارانگ است؟ - پشت این ساختمان.
- 5 - آیا برای رفتن به سامرا ماشین های حرم می آید؟ - نه متأسفانه.
- 6 - آیا ممکن است مرا ملک کنی؟ - ایرادی ندارد من در خدمت هستم.
- 7 - حرم کجا است؟ - سمت راست.
- 8 - کدام سمت شلوغ تر است؟ - این سمت، سمت چپ.
- 9 - شارژر موبایل از کجا بخرم؟ - از آن محل.
- 10 - آیا ممکن است شارژر موبایل را به من بدهی؟ - بفرما.



یک روزنامه دیواری درباره معانی علائم راهنمایی و رانندگی به عربی، فارسی و انگلیسی تهیه کنید.





الدَّرْسُ الثَّالِثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم: (۲۴ کلمه جدید)

عَجَزَ:	کرایه، مُزد	عَضَبَ:	خشمگین شد (مضارع: يَعْضَبُ)
إِخْوَان:	یاران، برادران «مفرد: أَخ»	عَضَبَان:	خشمگین
إِعْتَذَرَ:	معذرت خواست (مضارع: يَعْتَذِرُ)	قَاطِعُ الرَّحِمِ:	بُرندۀ پیوند خویشان
أَعْجَزَ:	ناتوان ترین	قَبَّلَ:	بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ)
جَسَرَ:	پُل «جمع: جُسُور»	قَسَّمَ:	تقسیم کرد (مضارع: يُقَسِّمُ)
حَسِبَ:	پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)	كَشَفَ:	آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)
خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا:	بیست و پنج هزار	لَا تَرْكَبُ:	سوار نمی شویم «ماضی: رَكِبَ»
رَجَاءً:	لطفاً «رَجَاء: امید»	مَحْزَنُ:	انبار «جمع: مَخَازِن»
رَجِمَ:	رانده شده	مَرَاغِقُ صَحِيَّةٍ:	سرویس بهداشتی
شَغَلَ:	روشن کن «ماضی: شَغَلَ / مضارع: يُشَغِّلُ»	مُعْطَلٌ:	خراب
عَجَزَ:	ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)	مُكَيِّفٌ:	کولر
عَدُوٌّ:	دشمن «جمع: أَعْدَاءُ»	نَزَلَ:	پایین آمد (مضارع: يُنْزِلُ)

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

1 كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ. هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمْحٍ.² فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ، وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرَ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ:



«أُخْرِجْ¹ مِنْ مَزْرَعَتِي.»

3 وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَزْوَاجِهِ سَعِيدٍ:

«أُخْرِجِي² مِنْ بَيْتِنَا.»

4 فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛

شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ:

5 «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

١- أُخْرِجْ: خارج شو «مذكر»

٢- أُخْرِجِي: خارج شو «مؤنث»

پیل دوستی

- 1 حمید و سعید دو برادر بودند. آن در مزرعه گندم بودند. «از مزرعه من برو بیرون»
- 2 در روزی از روزها میا آن دو دشمنی افتاد و برادر بزرگتر حمید بر برادر کوچکتر سعید خشمگین شد و بدو گفت:
- 3 «همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه ما برو بیرون»
- 4 در صبح یکی از روزها مردی درب خانه حمید را کوبید. زمانی که حمید درب منزل را باز کرد بخاری را دید و از او پرسید: «از من چه می خواهی؟»
- 5 بخار پاسخ داد: «به دنبال کاری می گردم کاری داری؟»
- 6 پس حمید گفت: «البته، من مشکلی دارم حل آن بدست توست». بخار گفت: «مشکلت چیست؟»
- 7 حمید پاسخ داد: «آن خانه هایم است. او برادرم و دشمنم است. به آن نهر نگاه کن».
- 8 او با آن نهر مزرعه را به دو نیم تقسیم کرده. او نهری را حفر کرده. چرا که او بر من خشمگین است.
- 9 خوب ای بخاری در اینبار دارم. لطفا میان ما دیواری چوبی بساز.
- 10 پس بخار گفت: «من به بازار می روم و عصر بر می گردم».
- 11 هنگامی که عصر حمید به مزرعه پرشت، بسیار تعجب کرد. بخار دیواری را ساخت. بعد پیل دوی نهر
- 12 پس حمید خشمگین شد و به بخار گفت: «چکار کردی؟ چرا پیل ساختی؟»
- 13 در این زمان سعید رسید و پیل را دید پس گمان کرد که حمید دستور ساخت پیل را داده است؟
- 14 پس از پیل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و عذرخواهی کرد.
- 15 حمید به سوی بخار رفت و از او شکر کرد و گفت: «تو سه روز مهمان من هستی».
- 16 بخار عذرخواهی کرد و گفت: «پیل ای بسیاری باقی است، باید برای ساختن بروم».

17 «آن هستند که خدا به آنها نگاه نمی کند: نرنگه ارتباط خویشاوندی و همایند»

رسول خدا (ص)

6 فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدِكَ.»

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟»

7 أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ **عَدَوِّي**؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ **قَسَمٌ** الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ؛ لِأَنَّهُ **غَضَبَانُ** عَلَيَّ.

9 عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي **الْمَخْرَزِ**؛ **رَجَاءً**، إِصْنَعْ جِدَارًا خَشْبِيًّا بَيْنَنَا.»

10 ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»

11 عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ أَلنَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ

صَنَعَ **جِسْرًا** عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

13 فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛

14 فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ.

15 ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ:

«أَنْتَ ضَيْفِي لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

16 اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَ قَالَ:

«جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛

عَلَيَّ الدَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»



17 اِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّحِمِ وَ جَارُ السَّوِّءِ.

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



۱. قَالَتْ زَوْجَهُ حَمِيدٌ لِرَزْوَاجِهِ سَعِيدٌ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.



۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَاراً خَشَبِيّاً بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.



۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.



۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.



۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ.



۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.

فِعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فِعْلُ الْأَمْرِ ← (يا وَلَدُ، اِفْعَلْ)، (يا بِنْتُ، اِفْعَلِي)



لَمْ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اِلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.
چرا تو تنهایی؟ همراه همکلاسی‌هاست بازی کن.

لَمْ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اِلْعَبْ مَعَ زَمَلَائِكَ.
چرا تو تنهایی؟ همراه همکلاس‌هاست بازی کن.

با فعلِ امر آشنا شوید. «فعل امر، درخواست از دیگران برای انجام کاری است». به فرق میانِ فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمهٔ آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	إِفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)
	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	إِفْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	اِسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می دانی	اِعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اِجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می آوری	اِجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبْ: بنویس	تَصُدِّقِينَ: راست می گویی	اُصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

اِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.	بر دنبال کلید بگرد	اِزْرَعِي قَمْحًا.	گندم بکار
ارْقَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	به تمام ایران را بالا ببر	اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	به سوی پروردگارت برگرد
اُطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین باره را طلب کن	اَشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت قدردانی کن

التمارين

١ التمرين الأول:

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.



١. اَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.



٢. مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خُرَاسَانَ.



٣. اَلْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.



٤. بَعْدَمَا^١ صَدَمْتُ سَيَّارَةً عَابِرًا، يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ.



٥. اَلْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرْضَى لِلْعِلَاجِ.

٢ التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید.



رَجَاءُ، اِلْعَبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمُنْصَدَةِ.

لطفًا با ما تنیس روی میز بازی کن



رَجَاءُ، اِلْعَبْ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ.

لطفًا با ما فوتبال بازی کن

١- بَعْدَمَا: بعد از اینکه

۳ التَّمَرُّنُ الثَّلَاثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ ^۱ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیا مزر و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کننده‌ای

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ الْأَعْرَافُ: ۸۹

پروردگارا میان ما و قوم ما به حق راه گشایش (داوری کن) و تو بهترین راه‌گشایان (داور) هستی.

۳. ﴿وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ...﴾ الْأَعْرَافُ: ۱۰۶

و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۴۷

ما را بر گروه کافران یاری فرما

۵. ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ الْحَجَرُ: ۳۴

گفت پس از آن خارج شو پس قطعاً تو رانده شده‌ای.

۶. ﴿وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ الْفَجْرُ: ۳۰

و در بهشت من داخل شو

۴ التَّمَرُّنُ الرَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِغَاب - صَالِحَات - رَاحِمُونَ - زَوْجَةٌ - جِسْرَيْن - تَلْمِیذَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زَوْجَةٌ	جِسْرَيْنِ	تَلْمِیذَتَانِ	رَاحِمُونَ	صَالِحَات	صِغَاب

۱- همزهٔ غِفْر و رَحِم در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این همزه نشانهٔ ص می‌گذارند. ← ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾ (نشانهٔ ص یعنی قَ را در ﴿فَاغْفِرْ﴾ به غ وصل کن).

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

ترجمه کنید؛ سپس فرق جملهٔ خطاب به مذکور را با جملهٔ خطاب به مؤنث توضیح دهید.
در جملهٔ خطاب به مذکور علامت آخر فعل امر سالن است و در جمله از آیتها استفاده شود.
در جملهٔ خطاب به مؤنث علامت آخر فعل امری است و در جمله از آیتها استفاده شود.

۱. یا أُخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدَرِّسِنَا. ای برادر من سخن معلم را بشنو.

۲. یا أُخْتِي، اِسْمَعِي كَلَامَ مُدَرِّسَتِنَا. ای خواهر من سخن معلم را بشنو.

۳. یا أَيُّهَا التِّلْمِيذُ، اُشْكُرْ رَبَّكَ. ای دانش آموز از پروردگارت تشکر کن.

۴. یا أَيَّتُهَا التِّلْمِيذَةُ، اُشْكُرِي رَبَّكَ. ای دانش آموز از پروردگارت تشکر کن.

۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. ☒ اِرْحَمْ ☐ اُسْجُدْ

۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. ☒ جَسْرًا ☐ مَخْزَنًا

۳. سَعِيدٌ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. ☒ قَسَمَ ☐ حَسِبَ

۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى. ☒ رَقَدَ ☐ حَفَرَ

۵. ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ عَلَيْكَ. ☒ اَحَبُّ ☐ غَضْبَانٌ

۶. جَارُنَا يَعْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ. ☒ مَلْعَبٍ ☐ مَصْنَعٍ

کلمه‌های مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید.

حَیَاة - جَمَال - تَلْمِیذ - عِنْدَمَا - حَزین - قُبْح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَة - طَالِب -

سَعَادَة - مَمَات

حَیَاة ≠ مَمَات - جَمَال ≠ قُبْح - شَقَاوَة ≠ سَعَادَة -
تَلْمِیذ = طَالِب - عِنْدَمَا = لَمَّا - حَزین = مَحْزُون

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

۱. اِعْلَمَنَّ أَنَّنَا نَنْصُرُ^۱ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بدان که پیروزی با بردباری است

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

از خدا تشکر نکرده هر که از مردم تشکر نکرده.

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نا توان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوستان ناتوان باشد.

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ^۲ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بسنهایی که برداشنت توانا گشتی پس بخشش درباره او را شکر اندازی برای توانایی بر او قرار ده

۵. اَلْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَ الْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش و ثروت هر عیبی را محو می‌کنند و نادانی و فقر هر عیبی را آشکار می‌کنند.

۱- اَلنَّصْرُ: پیروزی.

۲- حرف «ل» در «اجعل» در جمله «... اجعل العفو...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو

حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اجعل العفو).

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.



الْأَرْبَعِيَّات

عِنْدَ السَّائِقِ

- | | |
|--|---|
| 1 - كَمْ أُجْرَةُ نَفَرٍ وَاحِدٍ؟ | 1 |
| 2 - ثَلَاثَةٌ. | 2 |
| 3 - الْجَوُّ حَارٌّ. رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْحَرَكََةِ يَا سَائِقُ. | 3 |
- ...
- أَلْأُجْرَةُ مَقْطُوعَةٌ. كَمْ نَفَرًا أَنْتُمْ؟
- أُجْرَةُ كُلِّ نَفَرٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ دِينَارٍ.
- عَلَى عَيْنِي.

اربعینیات

نزد رانده

- 1 - کرایه هر نفر چقدر است؟ - کرایه مقطوع است شما چند نفرید؟
 - 2 - سه نفر - کرایه هر نفر ۲۵ هزار دینار
 - 3 - هوا گرم است. لطفا حرکت کن ای رانده - بروی چشم
 - 4 - لطفا کویر را روشن کن - کویر خراب است
 - 5 - یخچید پس سوار این اتوبوس نمی شوم - یخچره های اتوبوس را باز می کنم
 - 6 - نه ما پیاده می شویم یخچید - ایرادی ندارد
 - 7 - لطفا درجایی برای بجا آوردن نماز و استراحت - بروی چشم
- توقف کن
- 8 - ای رانده کجا و کی توقف می کنی؟ - در یکی از کوچه های نیم ساعت بعد
 - 9 - آیا سرریس بهداشتی پیدای شود؟ - بله ، البته

4

- رَجَاءٌ، شَغْلِ الْمُكَيَّفِ.

5

- عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.

6

- لَا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعَذِرَةٌ.

7

- رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ^١

وَلِلَّاسْتِرَاحَةِ.

8

- يَا سَائِقِي، أَيْنَ الْوُقُوفُ^٢ وَ مَتَى؟

9

- هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقِي صِحِّيَّةً؟

- اَلْمُكَيَّفُ مُعَطَّلٌ.

- أَفْتَحْ نَوَافِذَ الْحَافِلَةِ.

- لَا بَأْسَ.

...

- عَلَى عَيْنِي.

- فِي أَحَدِ الْمَوَاقِبِ بَعْدَ نِصْفِ سَاعَةٍ.

- نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ.

...



١- أداءُ الصَّلَاةِ: بهِجَا آوَرْدِنِ مَاز

٢- الْوُقُوفُ: اِيسْتَادَن، تَوْقِف



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



سَفِينَةُ الطُّلَّابِ



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم: (٢٦ كلمة جديد)

زاحمتك: شما را به زحمت انداختم	
شباب: جوانان «مفرد: شاب»، دوره جوانی	
صرخ: فریاد زد (مضارع: يصرخ)	
الصين: چین	
عصف: وزید (مضارع: يعصف)	
فرج: گشایش، رهایی از سختی	
فقد: از دست داد (مضارع: يفقد)	
محاولة: تلاش کردن	
مضى: گذشت (مضارع: يمضي)	
مطر: باران «جمع: أمطار»	
مواصلة: ادامه دادن	
مياه: آب‌ها «مفرد: ماء»	
نباتات: گیاهان «مفرد: نبات»	

أبحاث: پژوهش‌ها «مفرد: بحث»	
إحترق: آتش گرفت (مضارع: يحترق)	
أداء: به جا آوردن، انجام دادن	
إذ: آن گاه	
أصاب: برخورد کرد (مضارع: يصيب)	
أفرقة: تیم‌ها، گروه‌ها «مفرد: فريق»	
إنكسر: شکسته شد (مضارع: ينكسر)	
بغتة: ناگهان	
تقترب منا: به ما نزدیک می‌شود (ماضی: إقترب)	
جامعة: دانشگاه	
حرب: جنگ «حربیّة: جنگی»	
دخان: دود	
رياح: بادها «مفرد: ریح»	

الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ

- 1 وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَوَاتٍ بَعِيدَةٍ فِي أَحَدِ الْبِلَادِ.
- 2 ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ **الْجَامِعَةِ** مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ **أَبْحَاثٍ** عَنِ الْأَسْمَاكِ. ³كَانَتْ **مِيَاهُ** الْبَحْرِ هَادِئَةً؛ فَجَاءَتْ ظَهَرَ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ **رِيَا حُ** شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا. ⁴**فَأَصَابَتْ** سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛ أَلَسَفِينَةُ **انْكَسَرَتْ** قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا غَرَقَتْ؛ ⁵عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرَحُوا كَثِيرًا وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا؛ ⁶**مَضَى** يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ:
- 7 «يَا **شَبَابُ**، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. ¹إِسْمَعُوا ²كَلَامِي وَ اَعْمَلُوا بِهِ، كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ. عَلَيْكُمْ بِمُوَاصَلَةِ **أَبْحَاثِكُمْ**».
- 8 ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ **أَفْرِقَةٍ** وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ: «يَا طُلَّابُ، **إِنْحَثُوا** عَنْ صَيْدٍ وَ اجْمَعُوا **الْحَطَبَ**».
- 9 وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، **اجْلِبَا** ³بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ».
- 10 وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ: «يَا طَالِبَاتُ، **أَطْبُخْنَ** ⁴طَعَامًا».
- 11 وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، **إِنْحَثَا** عَنْ ⁵مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ».

٢- اَعْمَلُوا: كَار كَنِيد

١- اِسْمَعُوا: كُوش كَنِيد، بَشْنُوِيد

٥- اِنْحَثَا عَنْ: بَغْرَدِيد دَنْبَال ...

٣- اِجْلِبَا: بِيَاوْرِيد ٤- اَطْبُخْنَ: بِيَزِيد

صبر کلید گشایش است.

- 1 این حمایت خیلی سال قبل در کبی از سرزمین با اتفاق افتاد.
- 2 ۱۲ دانشجویان دانشگاه همراه استادشان به سفری علمی رفته برای تهیه پژوهشی درباره ماهی ها.
- 3 آبهای دریا آرام بودند ناگهان آبروی در آسمان پدیدار شد پس باد شدیدی وزید و دریا موج زد.
- 4 پس کشتیان به بخاره ای برخورد کرد پس ترسیدند کشتی کمی شکست ولی آن غرق نشد.
- 5 زمانی که به جزیره ناشناخته ای رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پرورده ها را نشان را شکر کردند و در آن پیاده شدند.
- 6 دو روز گذشت پس کسی را در جزیره نیافتند و کسی برای نجاتشان نیامد. استاد به آنها گفت:
- 7 «ای جوانا باید تلاش کنید سخن براه شوید و بر آن عمل کنید گویا چیزی شده باید به تحقیقاتشان ادامه دهید».
- 8 پس آنها را به چهار گروه تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان دنبال شکار میگردید و میزیم جمع کنید».
- 9 و به گروه دوم گفت: ای دو دانشجو برخی چیزهای ضروری را از کشتی بیارید.
- 10 و به گروه سوم گفت: ای دانشجویان، غذای بپزید.
- 11 و به گروه چهارم گفت: ای دانشجویان به دنبال مواد غذایی بگردید.
- 12 پس به همه گفت: (صبر کنید قطعاً خداوند با ما بران است). هفته ای گذشت.
- 13 در روزی از روزهای باران شدیدی بارید پس همه کشتی را به کشتیان برخورد کرد پس آتش گرفت.
- 14 دانشجویان گفتند: «هیچ امیدی به نجاتمان نیست» پس استاد این آیه را خواند: (ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید).
- 15 دانشجویان غمگین شدند و گفتند: کشتیمان را از دست دادیم. و بعد از بجا آوردن نماز و دعا یکی از آنها ناگهان فریاد زد:
- 16 نگاه کنید ای مصلحای عالم (بِرا) نگاه کنید ای مصلحای عالم (دختر). آن کشتی جنگی به ما نزدیک می شود.
- 17 کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازانی از آن پیاده شدند.
- 18 دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند: چگونه مکان ما را یافتید؟
- 19 سربازان پاسخ دادند: «از دور دودی را دیدیم آمدیم و شما را دیدیم».

12 ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: ﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ مَضَى أُسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ
نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ.

14 قَالَ الطُّلَابُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا.»

فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾.

15 حَزِنَ الطُّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا.»

وَ بَعْدَ أَدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بَعْتَةً:

16 «أَنْظُرُوا يَا زُمْلَائِي. أَنْظُرْنَ يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةُ حَرَبِيَّةٍ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

17 أَلْسَفِينَةُ الْحَرَبِيَّةِ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ.

18 فَرَحَ الطُّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:

«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

19 أَجَابَ الْجُنُودُ:

«رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ.»



با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.



۱. ذَهَبَ الطُّلَابُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْيِئَةِ أَبْحَاثٍ عَنِ النَّبَاتَاتِ.

۲. مَا وَجَدَ الطُّلَابُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ.

۳. عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

۴. كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً فِي الْبِدَايَةِ.

۵. وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَةٍ.

فَعْلُ الْأَمْرِ (۲)

فَعْلُ الْأَمْرِ ← (يا أولادُ، افعلوا)، (يا بناتُ، افعلن)،
(يا ولدان، افعلَا)، (يا بنتان، افعلَا)



رَجَاءً، انزلن من الحافلة.

لطفاً از اتوبوس پیاده شوید



رَجَاءً، انزلوا من الحافلة.

لطفاً از اتوبوس پیاده شوید



ابْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

به دنبال پاسخ در کتاب بگردید



ابْحَثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

به دنبال پاسخ در کتاب بگردید

در این درس با فعل امر آشنا می‌شوید.

به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

فعل امر	فعل مضارع	شخص
تَقَبَّلُوا تَقَبَّلْنَ تَقَبَّلَا	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	
	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	 

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ: رحم می‌کنید	ارْحَمُوا: رحم کنید	تَضَعْدَنَ: بالا می‌آید	اصْعَدْنَ: بالا بیاوید
تَنْزِلَانِ: پایین می‌آید	انْزِلَا: پایین بیاوید	تَقْبَلَانِ: می‌پذیرد	اقْبَلَا: بپذیرید
تَشْكُرُونَ: تشکر می‌کنید	اشْكُرُوا: تشکر کنید	تَرْسُمَنَّ: نقاشی می‌کنید	ارْسُمَنَّ: نقاشی کنید

ترجمه کنید.

اِقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ.	سخن حق را بپذیر.	اُرْسُمِي صَوْرَةَ الشَّهِيدِ.	تصویر شهید را بکش.
اغْسِلَا أَيْدِيَكُمَا قَبْلَ الْغَدَاءِ.	دستانتان را قبل از ناهار بشوید.	اُسْجِدَا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	سجده کنید خدا را که پروردگار دنیاست.
اُدْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.	نعمت خدا بر شما را یاد کنید.	اهْرُبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوِّءِ.	از هم نشینان بد فرار کنید.

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. بِلَادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيَا. الْقَصِين
٢. إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالْإِسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ. الْمُؤَمِّلَةُ
٣. شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَلَا لَوْنَ لَهُ. الْمَاءُ
٤. يُدْرَسُ فِيهَا الْأُسْتَاذُ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ. الْجَامِعَةُ
٥. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا. الشَّبَابُ
٦. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الزُّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ. الْفَرِيقُ

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يَا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ، أُخْرِجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دوستانم لطفاً از کتابخانه خارج شوید.

يَا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ، أُخْرِجُوا مِنَ الصَّفِّ.

ای دوستانم، لطفاً از کلاس خارج شوید.



یا صَدِیقَتانِ، اُکْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالِینِ.

ای دو دوست پاسخ دو سؤال را بنویسید.

یا صَدِیقانِ، اِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ.

ای دو دوست این میز را حمل کنید.

۳. التَّمَرِینُ الثَّالِثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ الْقَصَص: ۱۶

بروردگار! قطعاً من به خودم ستم کردم پس مرا بیا مرز

۲. قَالَ اللَّهُ لِمُوسَىٰ وَ هَارُونَ: ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ طه: ۴۳

خداوند به موسی و هارون گفت: (به سوی فرعون بروید)

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۱۸

بروردگار! بیا مرز و رحم کن و تو بهترین رحم کننده گانی

۴. ﴿... اِعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۵۱

کار نیک انجام دهید قطعاً من به آنچه انجام می دهید دانایم

۵. ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ الْبَقَرَة: ۳۴

و هنگامی که گفتیم به فرشتگان سجد کنید به آدم پس سجد کردند مگر ابلیس

٤ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يا طَلَّابُ، انْظُرُوا إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ.	ای دانشجویان به بارش باران نگاه کنید.	چرا در فارسی
يا طَالِبَاتُ، انْظُرْنَ إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ.	ای دانشجویان به بارش باران نگاه کنید.	مذکر و مؤنث
يا طَالِبَانِ، اَلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.	ای دو دانش آموز لباس های مناسب بپوشید.	مثنی و جمع
يا طَالِبَتَانِ، اَلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.	ای دو دانش آموز لباس های مناسب بپوشید.	یکسا معنای مؤنث

٥ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

١. قَاطِعُ الرَّجِمِ ●
 ٢. اَلْمُواصَلَةُ ●
 ٣. اَلْجَامِعَةُ ●
 ٤. اَلْحَطَبُ ●
 ٥. اَلدُّخَانُ ●
 ٦. اَلذَّهَابُ ●
 ٧. اَلْفَرَجُ ●
- مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ.
- هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لَزِيَارَةِ اقْرِبَائِهِ.
- الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ.
- أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلِاخْتِرَاقِ.
- حُلُّ الصَّعَابِ وَ الْمُشْكِلَاتِ.



گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ.

هیچ کاری مانند پژوهش نیست

۲. أَلْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَضَلُّ كُلِّ شَرٍّ.

دانش دیشته بر خوبی و نادانی دیشته بر بدی است

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را بخواهید حتی در چین باشد پس قطعاً طلب کردن دانش واجب دینی است

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ^۱.

خیر دنیا و آخرت با دانش است و بدی دنیا و آخرت با نادانی

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ^۲.

عاقل کسی نیست که خوبی را از بدی بشناسد ولی عاقل کسی است که بهترین از بدی را بشناسد



جِدَارُ الصَّيْنِ

۱- الْحَدِيثُ الثَّالِثُ وَ الرَّابِعُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بَاقِي الْأَحَادِيثِ مِنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ ع.

۲- خَيْرُ الشَّرِّينِ: بَهِتَرِينَ از میان دو شر

با استفاده از نرم‌افزار قرآن یا کتاب «الْمُعْجَمُ الْمُفَهَّرُ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ» سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.



مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ

- 1 - مَنْ هُوَ مَسْئُولُ الْمَوَكِبِ؟
 - 2 - سَاعَدَكَ اللَّهُ!
 - 3 - نَعَمْ، نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ.
 - 4 - حَضَرْنَا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى.
 - 5 - كَيْفَ يُمَكِّنُ الدَّهَابُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟
 - 6 - كَمْ الْمَسَافَةُ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ؟
 - 7 - أَمْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٌ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى نَرْكَبَ^١؟
 - 8 - شُكْرًا، زَا حَمَّتُكَ.
- أَبُو قَاسِمٍ.
- حَيَّاكَ اللَّهُ! أَأَنْتُمْ مِنْ إِيْرَانِ؟
- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُمْ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟
- ارْكَبُوا تِلْكَ السَّيَّارَاتِ.
- قَرِيبٌ مِنْ كِيلُومَتْرَيْنِ.
- نَعَمْ؛ مَوْجُودَةٌ.
- لَا، لَيْسَتْ رَحْمَةً. بَلْ رَحْمَةٌ.



١- حَتَّى نَرْكَبَ: تَا سَوَار شُويم

اربعمینیات

مسجد کوفه و مسجد سهله

- 1- مسئول موب کیست؟ - ابو قاسم
- 2- خدا قوت - زنده باشی، آیا شما ایرانی هستی؟
- 3- بله ما ایرانی هستیم - چند بار در راهپیمایی اربعین حاضر شدید؟
- 4- برای اولین بار حاضر شدیم.
- 5- چگونه می شود به مسجد کوفه رفت؟ - آن ماشین لُج را سوار شوید.
- 6- فاصله میان مسجد کوفه و مسجد سهله چقدر است؟ - نزدیک دو کیلومتر
- 7- آیا در مسیر ماشین ای ای می شود تا سوار شویم؟ - بله یافت می شود.
- 8- متکلم مزاحمت شدم - زحمتی نیست بله رحمت است.



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



حَيَوَانَاتُ الْغَابَةِ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: (۲۰ کلمه جدید)

شیر	أَسَد:
روباه	ثُعْلَب:
کم شنوا «ثَقِيل: سنگین + سَمِع: شنوایی»	ثَقِيلُ السَّمْع:
کوشید (مضارع: يَجِدُّ)	جَدَّ:
زخمی کرد (مضارع: يُجَرِّحُ)	جَرَّحَ:
تلاش کرد (مضارع: يُحَاوِلُ)	حَاوَلَ:
باغ وحش	حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ:
جلودار	رَائِد:
ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)	سَكَتَ:
تشویق کرد به (مضارع: يُشَجِّعُ)	شَجَّعَ عَلَى:
گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ)	ظَنَّ:
کوبید = طَرَقَ (مضارع: يَقْرَعُ)	قَرَعَ:
بزرگسالی	كِبَر:
سگ	كَلْب:
پافشاری کرد (مضارع: يَلِجُ)	لَجَّ:
مُرد (مضارع: يَمُوتُ)	مَاتَ:
سرنوشت	مَصِير:
موفقیت	نَجَاح:
کم شد (مضارع: يَنْقُصُ)	نَقَصَ:
داخل شد = دَخَلَ	وَلَجَّ:

1 كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: **أَسَدٌ** وَ **تُعْلَبُ** وَ **ذَنْبٌ** وَ **غَزَالَةٌ** وَ **كَلْبٌ** وَ ...



2 فِي يَوْمٍ مِّنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَحَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً؛ ثُمَّ سَتَرُوهَا
لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَبَيَّعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ؛ 4 وَقَعَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ
بَغْتَةً؛ فَطَلَبَهَا مُسَاعِدَةٌ؛ لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ؛ 5 لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ
أَصْوَاتَ الصَّيَّادِينَ. 6 حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ.

6 بَعْدَ دَقَائِقٍ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَقَالَتْ لِلتَّلَبِّ:

7 «لَا فَايْدَةَ لِّلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدُ^١. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنَكَ.»

8 وَ رَجَعَ الْكَلْبُ و قَالَ لِلْغَزَالَةِ:

«لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي.^٢ أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَحْتَ بَدَنِكَ.»

9 حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بَدُونَ فَائِدَةٍ.

١- و ٢- لَا تَصْعَدُ، لَا تَصْعَدِي: بالانزاع، بالانزاع

امید

- 1 مجموعه‌ای از حیوانات در جعبه بودند. سیر و روباه و گرگ و آهو و سگ و...
- 2 در روزی از روزها ۹ شکارچی آمدند و چالای عمیقی را کردند.
- 3 سپس آن را پوشاندند برای شکار حیوانات و فروشش به باغ و عیش.
- 4 روباه و آهوها ناگهان در چاله افتادند و درخواست کمک کردند ولی حیوانات فرار کردند.
- 5 چرا که آنها از دور صدای شکارچیان را شنیدند. روباه به آهو برای نجات یافتن تلاش کردند.
- 6 «فایده‌ی بعد کبوتر بازگشت و به روباه گفت:
- 7 «تلاش هیچ فایده‌ای ندارد بالانیا. تو نمی‌توانی. قطعا بدنت را زخمی کردی.
- 8 سگ برگشت و به آهو گفت: «هیچ امیدی به نجات نیست بالانیا. تو نمی‌توانی. قطعا بدنت را زخمی کردی.
- 9 روباه و آهو بار دیگر برای خارج شدن تلاش کردند ولی بی‌فایده.
- 10 آهوها امید شد و در جایش ماند ولی روباه بسیار تلاش کرد.
- 11 کبوتر به او گفت: «تو نمی‌توانی. چرا تلاش می‌کنی؟ سرنوشتت را ببین»
- 12 ولی روباه از چاله بیرون آمد. در همان زمان همه‌ی بندگان رسید و گفت:
- 13 «من این روباه را می‌شناسم او کم‌شنو است. او را رد که کبوتر او را برپا آورد آمدن تشویق کرده‌ام»
- 14 حیوانات گفتند: «ما به آهو قسم کردیم. باید کمکش کنیم»
- 15 کبوتر به آهو گفت: «بیرون بیا. تو می‌توانی به آسانی خارج شوی. ناامید نشو»
- 16 آهو بار دیگر برای خروج تلاش کرد پس خارج شد و حیوانات شادمان شدند.
- 17 بهر چیزی را بخوابد و بپوشد، می‌یابد و معرکه‌ی دربی را ببلوبد و پافشاری کند، دراصل شود. رسول الله (ص)

10 يَبْسُتِ الْغَزَالَةُ وَبَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

11 قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ، لِمَ تُحَاوِلِينَ؟» إِقْبَلْ مَصِيرَكَ.

13

12 لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدْهُدٌ وَقَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ

هَذَا الثَّعْلَبَ؛ هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»

14 قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»

15 قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أُخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسُهُولَةٍ. لَا تَيْأَسِي.»

16 حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى^١ فَخَرَجَتْ وَفَرَحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.



17 مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَجَدَ،

وَمَنْ قَرَعَ بَابًا وَلَجَ وَلَجَ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- مَرَّةً أُخْرَى: بَارٍ دِيْكَر (آخِر، أُخْرَى: دِيْكَر)



با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.



۱. حَاوَلَتِ الْعَزَالَةُ الْخُرُوجَ مِنَ الْحُفْرَةِ، فَخَرَجَتْ فِي النِّهَايَةِ.



۲. شَجَعَتِ الْحَيَوَانَاتُ الثَّعْلَبَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنَ الْحُفْرَةِ.



۳. مَا سَتَرَ الصَّيَادُونَ الْحُفْرَةَ فِي الْغَابَةِ.



۴. كَانَتِ الْحُفْرَةُ قَلِيلَةً الْعُمُقِ.



۵. أَرْبَعَةُ صَيَّادِينَ كَانُوا فِي الْغَابَةِ.

فِعْلُ النَّهْيِ (۱)

فِعْلُ النَّهْيِ ← (يَا وَلَدُ، لَا تَفْعَلْ)، (يَا بِنْتُ، لَا تَفْعَلِي)



لَا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.
حیزی روی درخت ننویس

لَا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَى الشَّجَرِ.
حیزی روی درخت ننویس

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
انجام دهنده.	لا تَفْعَلْ	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	
	لا تَفْعَلِي			

فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی
لا تَحْزَنْ: غمگین نمی‌شوی	لا تَحْزَنْ: غمگین نشو	لا تَكْذِبِينَ: دروغ نمی‌گویید	لا تَكْذِبِي: دروغ نگو

ترجمه کنید.

لا تَيْأَسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. از رحمت خدا ناامید نشو

لا تَشْرَبِي شايًا حارًا. جای دایم نوش

الْتَّمَارِين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

حَدِيقَةُ الْخَيْوَانَاتِ

رائد

مكب

مصير

تقليل الشَّعاع

١. مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَيُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً.

٢. الَّذِي يَمْشِي أَمَامَ قَوْمِهِ لِهِدَايَتِهِمْ.

٣. حَيَوَانٌ يَحْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ.

٤. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.

٥. الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا.

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حَبِيبَتِي،

لَا تَجْعَلِي حَقِيبَتَكَ هُنَا.

ای دوست من کیفت را اینجا قرار نده



يا حَبِيبِي،

لَا تَجْعَلْ حَقِيبَتَكَ هُنَا.

ای دوست من کیفت را اینجا قرار نده

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر، نهی، ماضی و مضارع را معلوم کنید.

۱. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای دنیایت طاعت کن گویی همیشه زندگی می‌کنی، و برای آخرت طاعت کن گویی فردا می‌میری

۲. هَلْ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ الْأَعْرَافُ: ٤٧

پروردگارا ما را با گروه ستمکاران قرار مده

۳. لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ، رِبَاءً وَلَا تَتَّشُرْكَهُ، حَيَاءً. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
چیزی را که نیک است بخاطر خودهای ابدی نده و به خاطر شرم آن را ترک کن

۴. إِنَّ الرَّايِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خلودار به اهلش دروغ نمی‌گوید



۵. هَلْ لَا تَحْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴿التَّوْبَةِ: ٤٠﴾

غمی نیست مباش قطعا خداوند با ما است

۶. إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هنگامی که خشمگین شوی پس سکوت کن

كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا: گویی تا ابد زندگی می‌کنی.
لَا تَيَاسُ أَبَدًا: هرگز ناامید نشو.

در جمله مثبت: تا ابد، همیشه
در جمله منفی: هرگز

۱- أَبَدًا



۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

۱. اِزْرَعْ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عَدَاوَةً.

دستی بهار و دشمنی نهار

۲. اُسْكُتِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَصْرُخِي.

سالت شوای کودک و نریاد مزین

۳. اُصْدُقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.

در زندگی ات راست بگو و هرگز دروغ مگو

۴. اِلْبَسْ قَمِيصًا أَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبَسْ أَسْوَدَ.

دش لب برای عبور از خیابان بپوش سفید بپوش و سیاه نبپوش

۵ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه ها «ناهماهنگ» است؟



- | | | | |
|-----------|--------------|-----------|------------|
| ○ حَدَّاد | ○ حَلَوَانِي | ✓ مصباح | ○ شُرْطِي |
| ○ حَطَب | ○ دُخَان | ○ نار | ✓ نجاح |
| ○ شُهور | ○ أَيَّام | ✓ غَابَة | ○ لِيَالِي |
| ○ رِيح | ○ سَحَاب | ○ مَطَر | ✓ أَخَذَ |
| ○ رُمَان | ○ ثُقَّاح | ○ عِنَب | ✓ جَدَّ |
| ○ كِبَر | ○ فَوْق | ○ تَحْتَ | ○ أَمَام |
| ○ أَرْزَق | ✓ إِفْتَحَ | ○ أَحْمَر | ○ أَخْضَر |
| ○ سَدَّ | ○ سَجَدَ | ○ فَقَدَ | ○ عَبَدَ |

صَلَّى

زير هر تصوير نام آن را به عربی بنويسيد. «دو كلمه اضافه است.»

الْحَمَامَةُ - الْكَلْبُ - الذِّئْبُ - الزَّرَافَةُ - الْعُصْفُورُ - الْغَزَالَةُ - السَّمَكَةُ - الْفِيلُ - الْفَرَسُ -
الْأَسَدُ - الثَّعْلَبُ



الثعلب..... حَيَوَانٌ مَكَّارٌ.



الزرافة..... حَيَوَانٌ طَوِيلٌ.



السمة..... فِي النَّهْرِ.



الأسد..... سُلْطَانُ الْغَابَةِ.



النيل..... حَيَوَانٌ كَبِيرٌ.



هذه حمامة جميلة.



الفرس..... حَيَوَانٌ نَجِيبٌ.



الذئب..... حَيَوَانٌ حَرِيصٌ.



العصفور..... طَائِرٌ صَغِيرٌ.



بخوانید و ترجمه کنید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فِي الْعِلْمِ:

۱. قَوْلُ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ.

امیرالمؤمنین علیؑ در باره علم فرمود:

گفتن نمی دانم نیمی از دانش است

۲. مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.

هر که در کودکی اش پرسد در بزرگی اش پاسخ دهد

۳. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ.

هر چیزی با انفاق کم می شود مگر دانش

۴. جَمَالَ الْعِلْمُ نَشْرُهُ وَتَمَرَّتُهُ الْعَمَلُ بِهِ.

زیبایی دانش گسترش آن و میوه اش عمل به آن است

۵. أَيُّهَا النَّاسُ، إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ.

ای مردم بدانید که بالاترین درجه دین درخواست دانش و عمل به آن است

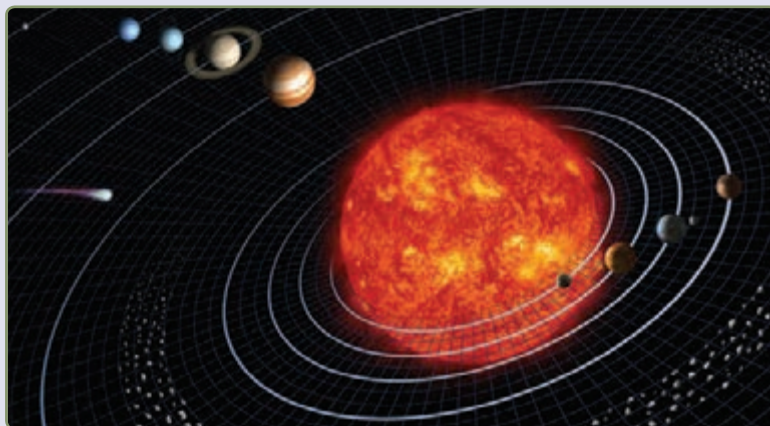
دو نمونه کتاب معروف در ادبیات ایران یا جهان از زبان حیوانات مثال بزنید.



﴿الْقُرْآنِيَّاتِ﴾ چیت آیدای که اتر از آخر به اول آن را بخوانی تغییر نمی‌دهد؟

۱. مَا الْآيَةُ الَّتِي إِذَا قَرَأْتَهَا مِنْ الْآخِرِ إِلَى الْأَوَّلِ لَا يَتَغَيَّرُ؟

- ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ﴾ یس: ۴۰ بهر کدام (از اجرام آسمانی) در مداری هستند.



۲. أَيُّ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟ کدام شب از هزار ماه بهتر است؟

- لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. شب قدر در ماه رمضان.



۳. ما مَعْنَى كَلِمَةِ «الْقُرْآنِ»؟
 - الْقُرْآنُ بِمَعْنَى «الْقِرَاءَةِ».
 معنای کلمه قرآن چیست؟
 قرآن به معنای خواندن است.



۴. مَا اسْمُ أَكْبَرِ حَيَوَانٍ جَاءَ ذِكْرُهُ فِي الْقُرْآنِ؟
 - الْفِيلُ.
 نام بزرگترین حیوان که ذکرش در قرآن آمده چیست؟
 فیل.



۵. اذْكُرْ سُورَةَ بِاسْمِ أَحَدِ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ؟
 - الْجُمُعَةُ.
 سوره ای را ذکر کن که به نام یکی از روزهای هفته باشد.
 (سوره) جمعه.





الدَّرْسُ السَّادِسُ



مَدْرَسَةُ الْقَرْيَةِ



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (٢١ كلمة جديد)

إِسْتَلَمَ:	دریافت کرد (مضارع: يَسْتَلِمُ)	رُجَاةٌ عِطْرُ:	شیشهٔ عطر
بَسَمَلَةً:	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	صَوْمُ:	روزه
تَعَلَّمَ:	یاد گرفت (مضارع: يَتَعَلَّمُ)	عَطَّرَ:	عطر زد (مضارع: يُعَطِّرُ)
حَفْلَةُ زَوَاجٍ:	جشن عروسی «حَفْلَةُ مِيلَادٍ: جشن تولد»	غَيَّرَ:	تغییر داد (مضارع: يُغَيِّرُ)
دَفَعَ:	دور کرد، دفع کرد، پرداخت (مضارع: يَدْفَعُ / مصدر: دَفَعَ)	لَامَ:	سرزنش کرد (مضارع: يَلُومُ)
رَاسِبٌ:	مردود	مِثَالِي:	نمونه
رَاقِدٌ:	بستری	مُزْدَحِمٌ:	شلوغ
رَائِحَةٌ:	بو	مَلَفٌ:	پرونده
رَسَبَ:	مردود شد (مضارع: يَرْسُبُ)	نَامَ:	خوابید (مضارع: يَنَامُ) مترادف: رَقَدَ
رَوْحٌ:	رحمت	نَشِيطٌ:	فَعَالٌ، بَانَشَاطٌ
		وَهْيٌ:	و عبارت است از

تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

- 1 ابْتَدَأَ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.² كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتْ الْمُدْرَسَةُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا.³ قَالَتْ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.»
- 4 هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ «سَارَةُ» عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛ فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مِلَفِّهَا لِإِطْلَاعٍ عَلَى مَاضِيهَا.
- 5 فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ.
- 7 وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى.
- 8 وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالدَّتْهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا.
- 9 وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدِّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَنَامُ فِي الصَّفِّ.
- 10 الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.
- 11 بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ، جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمُدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ. كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً عِطْرٍ¹² أُمُّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعِطْرِ، فَضَحِكَ التَّلَامِيذُ؛ فَقَالَتْ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا»¹³ وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكُنَّ»¹⁴.
- الْمُدْرَسَةُ عِطَّرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعِطْرِ.



١- رَسَبَتْ سَارَةُ عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ: سَارَةُ دُر

سَالِ غُذْشْتِه زَدَدِ اَوْ مَرْدُودِ شُد. (تَوْضِيحِ اَيْنَكِه سَارِه،

دَانِشْ اَمُوزِ هَمِيْنِ مَعْلَمِ دُرِ سَالِ غُذْشْتِه اَشِ بُوْدِه اَسْت.)

٢- وَ ٣- لَا تَضْحَكُوا، لَا تَضْحَكُنَّ: نَخْنَعِدِ

تغییر زندگی

- 1 سال تحصیل جدید آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند.
- 2 روستا کوچک و زیبا بود. معلم داخل کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود.
- 3 معلم به پسران گفت: «سمت راست بنشینید» و به دختران گفت: «سمت چپ بنشینید».
- 4 او دانش آموز مردودی را به اسم ساره دید. ساره در سال گذشته نرزد او مردود شده.
- 5 پس غمگین شد و رفت برای مشااهده پیرونده اش برای اطلاع از گذشته اش.
- 6 در پیرونده سال اول او دانش آموز بسیار خوبی است. فعالیتش را به خوبی می نویسد. او با نشاط و باهوش است.
- 7 در پیرونده سال دوم او دانش آموز بسیار خوبی است ولی او غمگین است. مادرش در بیمارستان بستر است.
- 8 در پیرونده سال سوم او مادرش را در این سال از دست می دهد. او بسیار غمگین است.
- 9 در پیرونده سال چهارم او ترک تحصیل می کند و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می خوابد.
- 10 معلم خودش را سرزنش کرد و روش تدریسش را تغییر داد.
- 11 بعد از مدتی در جشن تولد معلم، دانش آموزان هدایایی برای او آوردند و ساره برای معلمش هدیه ای در بره روزهای آورد.
- 12 هدیه شیشه عطر مادرش بود، در آن کمی عطر بود. دانش آموزان خندیدند.
- 13 پس معلم به پسران گفت: بخندید. و به دختران گفت: نخندید. معلم خودش را با آن عطر معطر کرد.
- 14 ساره نزد معلمش آمد و گفت: بوی تو مانند بوی مادرم است. در آن نوبت ندانست بود.
- 15 معلم ساره را تشویق کرد پس دانش آموزی نمونه شد و بعد از سالها معلم نامه ای را از ساره دریافت کرد که.
- 16 «تو بهترین معلمی هستی که در زندگی ام دیدم. تو سر نوشت مرا تغییر دادی. من اکنون پزشک هستم».
- 17 پس مدتی معلم نامه دیگری از دکتر ساره دریافت کرد.
- 18 از او درخواست کرد که در جشن ازدواجش حاضر شود و در جایگاه مادر هموس بنشیند.
- 19 زمانی که معلمش در جشن ازدواجش حاضر شد، ساره به او گفت: «خیلی ممنون خانم تو زندگی مرا تغییر دادی».
- 20 پس معلم به او گفت: نه دقت م. تو زندگی مرا تغییر دادی پس دانستم که چگونه تدریس کنم.

14 جاءت سارة عند مدرّستها و قالت:

«رائحتك مثل رائحة أمي.»

15 شجعت المدرّسة سارة؛ فصارت تلميذة مثاليّة، و بعد سنوات؛ استلّمت المدرّسة

رسالة من سارة، مكتوباً فيها:

16 «أنت أفضل معلّمة شاهدتها في حياتي. أنت غيّرت مصيري. أنا الآن طبيبة.»

17 و بعد مدّة، استلّمت المدرّسة رسالة أخرى من الطبيبة سارة؛ طلبت منها الحضور

في حفلة زواجها و الجلوس في مكان أم العروس.

19 عندما حضرت مدرّستها في حفلة زواجها؛ قالت لها سارة:

«شكراً جزيلاً يا سيّدي؛ أنت غيّرت حياتي.»

20 فقالت لها المدرّسة:

«لا؛ يا بنتي، أنت غيّرت حياتي؛ فعرفت كيف أدرس.»

با توجه به متن درس، پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱. أين جَلَسَتِ البنات؟ ☒ على اليمين ☐ على اليسار

۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ العِطْرِ؟ ☒ لوالدة سارة ☐ لوالد سارة

۳. في أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سارة راسِبةً؟ ☒ في الرابع ☐ في السادس

۴. ماذا كَانَتْ هَدِيَّةُ سارة لِمُدْرَسَتِها؟ ☒ صحيفة جَداريّة ☐ زُجَاجَةُ عِطْرِ

۵. أ كَانَتْ الهدايا بِمُنَاسَبَةِ حَفَلَةِ المِيلادِ؟ ☒ نَعَمْ ☐ لا

فَعْلُ النَّهْيِ (۲)

فَعْلُ النَّهْيِ ← (يا أَوْلَادُ، لا تَفْعَلُوا)، (يا بَنَاتُ، لا تَفْعَلْنَ)
(يا وَلَدَانِ، لا تَفْعَلَا)، (يا بَنَتَانِ، لا تَفْعَلَا)



یا زَمِیلاتِی، رَجَاءٌ، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای همکارانی ایمن لطفاً پایین نیاید؛ بالا بروید.



یا زَمَلائِی، رَجَاءٌ، لا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا.

ای همکارانی ایمن لطفاً پایین نیاید؛ بالا بروید.



یا زَمِیلاتِی، رَجَاءٌ، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای دو همکارانی لطفاً پایین نیاید؛ بالا بروید.



یا زَمِیلانِ، رَجَاءٌ، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو همکارانی لطفاً پایین نیاید؛ بالا بروید.

در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل نهی
	تَفْعَلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	لا تَفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	لا تَفْعَلْنَ
 	تَفْعَلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	لا تَفْعَلَا

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

لا تَجْلِسُ: نمی‌نشینم ← لا تَجْلِسْ: ننشین
لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید ← لا تَذْهَبُوا: نروید
لا تَرْجِعِينَ: بر نمی‌گردی ← لا تَرْجِعِي: بر نگرد
لا تَتْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ← لا تَتْرُكْنِ: رها نکنید^۱
لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید ← لا تَنْزِلَا: پایین نیابید

ترجمه کنید.

لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.	در شب زیر درخت خوابید
يَا أَخَوَاتِي، لَا تَغْضَبْنَ عَلَى أَحَدٍ.	ای خواهرانم بر کسی خشمگین نشوید
يَا وَلَدَانِ، لَا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ	ای دو پسر! صدای بلند نخندید

۱- تشخیص معنای فعل‌هایی مانند لا تَفْعَلْنَ فقط در جمله امکان دارد؛ مثال:
(رَجَاءٌ: لا تَفْعَلْنَ: لطفاً انجام ندهید.) / (لماذا لا تَفْعَلْنَ شَيْئاً؟ چرا کاری انجام نمی‌دهید؟)

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

الْقُورَمُ
النَّشِيطُ
مُرْجُومٌ
رَاسِبٌ
حَفَلَةٌ

١. اِلِمْتِنَاعٌ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.
٢. اَلشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا.
٣. صِفَةٌ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ.
٤. اَلطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي اِلِمْتِحَانَاتِ.
٥. اِجْتِمَاعٌ جَمْعٍ مِنَ النَّاسِ لِفَرَحٍ عَظِيمٍ.

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لَا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.
از این آب نوش



لَا تَذْهَبْ مِنْ هُنَا.
از اینجا نرو



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.
 اینجا نشینید. آنجا نشینید.



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ
 عیب های دوستانتان را آشکارا نکنید.

۳ التَّمَرُّينُ الثَّالِثُ:

آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ﷻ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید. پس قطعاً محبوب‌ترین کاری نزد خداوند انتظار فرج است.

۲. رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿الأعراف: ۴۷﴾

پروردگارا ما را همراه گروه ستمکاران قرار مده.

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَّامَ وَ حَوَاءَ : ﴿ لا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴾ ﴿الأعراف: ۱۹﴾

خداوند به آدام و حوا فرمود: (نزدیک این درخت نشوید)

۴. ﴿ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴾ ﴿یس: ۶۰﴾

شیطان را بادت نکنید. قطعاً او برایتان دشمن آشکار است.

۵. ﴿ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ ... ﴾ ﴿الْمُرَّمِّل: ۱۰﴾

بر آنچه می‌گویند صبر کن.

۶. ﴿ وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ ... ﴾ ﴿التَّحَل: ۱۱۴﴾

نعمت خدا را شکر کنید.

گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید!

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ
وَكَثْرَةِ الْحَجِّ
... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ
الْأَمَانَةِ.

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج نگاه نکنید.
... ولی به راستگویی و امانت داری بنظرید.

۲. انْظُرْ إِلَى مَا قَالُوا وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.
بَنَدَرُ بِنْتِ أَفْجَهٍ كُفْتُ وَنَنْدَرُ بِنْتِ كُفْتٍ

۳. لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.

بسیج فقری مانند نادانی و هیچ ارثی مانند ادب نیست

۴. مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.

کسی که خشمش را دور کند، خداوند عذابش را از او دوری کند.

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَ الرَّابِعُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْحَدِيثُ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.





۱. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ السُّورَةَ بِمَعْنَى الْجِدَارِ الَّذِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ؟

آیا می دانی که سوره به معنای دیواری است که اطراف شهر است؟



۲. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ السُّورِ تَبْدَأُ بِالْبِسْمَلَةِ إِلَّا سُورَةُ التَّوْبَةِ، وَ سُورَةُ النَّملِ فِيهَا

بِسْمَلَتَانِ؟

آیا می دانی که همه سوره ها با بسم الله آغاز می شود مگر سوره توبه و سوره نمل در آن دو بسم الله است؟



۳. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّ سُورٍ بِاسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءَ؟ آیا می‌دانی که ۶ سوره برنام ۶ پیامبر است؟
و هِيَ سُورَةُ يُونُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدٌ وَ نُوحٍ.
و آن سوره های یونس و هود و یوسف و ابراهیم و محمد و نوح است.



۴. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ تَبْدَأُ بِفِعْلِ «قُلْ»؟ آیا می‌دانی ۵ سوره با فعل قل آغاز می‌شود؟
و هِيَ الْجِنُّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْفَلَقُ وَ النَّاسُ.
و آن، (سوره های) جن و کافرون و توحید و فلق و ناس است.



۱- برای چهار سوره از پنج سوره ذات القلائل (دارای قُلْ) خواصی برشمرده‌اند.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



مُخْتَبَرُ إِدِيسُون



الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: (۲۵ كلمة جديد)

آلة:	دستگاه «جمع: آلات» آلة طباعة: دستگاه چاپ	طَبَعَ:	چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)
أَحْسَنَ عَمَلًا:	کاری را نیکو انجام داد	طَرَدَ:	با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)
أَدَوَات:	ابزارها «مفرد: أداة»	طُفُولَة:	کودکی
أَضَاعَ:	تباه کرد (مضارع: يُضِيعُ)	عَرَبَة:	واگن، گاری
أَنْقَذَ:	نجات داد (مضارع: يُنْقِذُ)	كَثُرَ:	زیاد شد (مضارع: يَكْثُرُ)
بَضَائِع:	کالاها «مفرد: بضاعة»	كَمَّلَ:	کامل کرد
بَطَّارِيَّة:	باتری	كِيْمِيَاوِي:	شیمیایی
تِمَثَال:	تندیس «جمع: تماثيل»	مُسَجَّل:	دستگاه ضبط
رَئِيسِي:	اصلی	مَطْبَعَة:	چاپخانه «جمع: مطابع»
شَرِكَة:	شرکت	نَفَقَات:	هزینه‌ها «مفرد: نفقة»
صِنَاعَة:	صنعت «صناعية: صنعتی»	نوم:	خواب
طاقة كهربائية:	نیروی برق گهرباء: برق	وَضَعَ:	گذاشت «مترادف: جَعَلَ»
		يَدُورُ عَلَى:	می‌چرخد دور ...

ثَمَرَةُ الْجِدِّ

1 كَانَ إِدِيسُون فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ **نَفَقَاتِ** دِرَاسَتِهِ؛

2 فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَقَالَ عَنْهُ:

«إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقُ.»

3 فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ؛ وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ

بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا.

4 كَانَ إِدِيسُون ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ

أَصَابَهُ أَيَّامَ **الطُّفُولَةِ**.



تَمَثُّالُ إِدِيسُون
أَمَامَ الْجَسْرِ

5 إِدِيسُون أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي

مَنْزِلِهِ وَبَعْدَ مُدَّةٍ قَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ

الْكِيمَاوِيَّةِ وَ **الْأَدَوَاتِ** الْعِلْمِيَّةِ وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ

كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدَّرَ عَلَى

شِرَاءِ **آلَةٍ طِبَاعَةٍ** وَ وَضَعَهَا فِي **عَرَبَةِ الْبُضَائِعِ**. **8** وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ

عُمْرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ **طَبَعَهَا** فِي الْقِطَارِ.

9 فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمَاوِيَّةِ فِي **الْمَطْبَعَةِ**؛ فَحَدَّثَ

حَرِيقٌ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ، وَ عِنْدَمَا **أَنْقَذَ** طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ

رَئِيسًا فِي **شَرِكَتِهِ**.



نتیجه کوشش

- 1 ادیسون در هفت سالگی از عمرش بود زمانی که خانواده اش از پرداخت هزینه های تحصیلی اش ناتوان شد،
- 2 پس مدیر مدرسه او را از مدرسه اش به تنهایی راند و درباره اش گفت: «او دانش آموزی احمق است»
- 3 پس میوه فروش شد ولی او ترک تحصیل نکرد بلکه با کمک مادرش درس خواند. او خیلی کم تلاش کرد.
- 4 ادیسون به دلیل اتفاق یا بیماری که در روزهای کودکی به او رسیده بود، کم شنوا بود.
- 5 ادیسون شیمی را دوست داشت پس آزمایشگاه کوچکی در منزلش ساخت.
- 6 و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد. در واکن کالای غار داره
- 7 و پس از تلاش های بسیار توانست مسوولی در یکی از قطارهای شود و توانست دستگاه چاپ بخرد و آن را
- 8 در ۱۵ سالگی از عمرش روزنامه دیواری نوشت و آن را در قطار چاپ کرد. بیرون کرد
- 9 در یکی از روزهای یکی از شیشه های مواد شیمیایی در چاپخانه شکست پس آتش سوزی شد پس رئیس قطار او را
- 10 و زمانی که کودکی را از زیر قطار نجات داد پدر کودک او را رئیس در شرکتش کرد.
- 11 ادیسون شب و روز در آزمایشگاهش مشغول بود.
- 12 او اولین کسی است که آزمایشگاه هم برای پژوهش های صنعتی ساخت.
- 13 ادیسون پس از این اختراع مهم را اختراع کامل کرد: بخشی از آن چراغ برقی و فیلم موت و تها و برترتک و دستگاه سینما و باطری ماشین است.
- 14 او توانست اولین شرکت را برای تولید برق تأسیس کند.
- 15 و نیروی برق در این عصر دلیل اصلی پیشرفت صنایع است. (کلمه ۳)
- 16 «قطعاتی که ایمن آوردند و کارهای نیک انجام دادند قطعاً ما یادش کسی را که کار نیک کند! بانه نمی بینیم»



11 كَانَ إِدِيسُون مَشْغُولًا فِي مُخْتَبَرِهِ لَيْلًا وَ نَهَارًا.

12 هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبَرًا لِلأَبْحَاحِ الصَّنَاعِيَّةِ.

13 اخْتَرَعَ وَ كَمَّلَ إِدِيسُون أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اخْتِرَاعٍ

مُهُمٍّ؛ مِنْهَا الْمِصْبَاحُ الْكَهْرَبَائِيّ وَ الْمَسْجَلُ وَ الصُّورُ

الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّينِمَا وَ بَطَّارِيَةُ السَّيَّارَةِ. إِنَّهُ قَدَرَ

عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزِيعِ الطَّاقَةِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ.

15 وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرَبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ

لِتَقَدُّمِ الصَّنَاعَاتِ الْجَدِيدَةِ.

16 هَلْ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۖ

الْكَهْف: ٣٠

درستی یا نادرستی جمله های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.



۱. عَدَدُ اخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُون سَبْعُونَ.

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ.

۳. أَحَبَّ إِدِيسُون عِلْمَ الْكِيمِيَاءِ فِي صِغَرِهِ.

۴. سَاعَدَتْ أُمُّ إِدِيسُون وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ.

۵. وَضَعَ إِدِيسُون آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ.

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

ترکیب وصفی ← (موصوف و صفت)



آثار تَحْتِ جَمَشیدِ فی مَحافظَه فارس



قَلْعَةُ فَلَكِ الْأَفْلاكِ فی مَحافظَه لَرِسْتان

هَذَا أَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مَحَافِظَةٍ كَبِيرَةٍ.
این اثری تاریخی در استان بزرگ است

هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مَحَافِظَةٍ جَمِيلَةٍ.
این قلعه‌ای تاریخی در استانی زیباست

ترکیب اضافی ← (مضاف و مضاف‌الیه)



تِمَثَالُ الْمُتَنَبِّي^۲، فی مَدِينَةِ بَغدَادِ.
نندیس متنبی در شهر بغداد



تِمَثَالُ الْعُلَمَاءِ فِي مَقَرِّ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ^۱
نندیس دانشمندان در جایگاه سازمان ملل متحد

۱- تندیس دانشمندان ایرانی در جایگاه سازمان ملل متحد در شهر وین کشور اتریش

۲- شاعر نامدار سده چهارم هجری قمری در روزگار خلافت بنی عباس، متولد کوفه

«موصوف»، اسمی است که برایش یک یا چند ویژگی می‌آوریم که «صفت» نامیده می‌شود.

«مضاف»، اسمی است که به اسم بعد از خودش (یعنی مضاف‌الیه) نسبت داده می‌شود؛ مثال:

موصوف و صفت		مضاف و مضاف‌الیه	
مُخْتَبَرٌ صَغِيرٌ	آزمایشگاهی کوچک	مُخْتَبَرُ الْمَدْرَسَةِ	آزمایشگاهِ مدرسه
الصَّنَاعَةُ الْجَدِيدَةُ	صنعتِ جدید	صِنْعُ الْوَرَقِ	صنعتِ کاغذ
طُلَّابٌ مُجْتَهِدُونَ	دانشجویانی کوشا	طُلَّابُ الْجَامِعَةِ	دانشجویانِ دانشگاه
		حَقِيقَةُ الْمُعَلِّمِ	کیفِ معلِّم
		حَقِيقَتُهُ ^۱	کیفش

ترکیب «اضافی – وصفی»

به ترجمه ترکیب‌های زیر در جمله دقت کنید^۲:

۱. سَاعَدَتُ أُخْتِي الْكَبِيرَةَ جَدَّتَنَا.

خواهرِ بزرگم به مادرِ بزرگمان کمک کرد.

۲. نَادَيْتُ أَخِي الْأَصْغَرَ لِكِتَابَةِ وَاجِبَاتِهِ.

برادرِ کوچک‌ترم را برای نوشتن تکلیف‌هایش صدا زدم.

۱- ضمیر در دستور زبان عربی، اسم به شمار می‌آید.

۲- در ارزشیابی از این قاعده، فقط باید از مثال‌هایی مانند کتاب استفاده کرد.

توجه: در زبان عربی - برخلاف فارسی - بین مضاف و مضاف‌الیه، صفت قرار

نمی‌گیرد؛ مثال:



عُرْفَتِي: اتاقم (مضاف + مضاف‌الیه)

عُرْفَتِي الصَّغِيرَةُ (مضاف + مضاف‌الیه + صفت)

اتاق کوچکم (مضاف + صفت + مضاف‌الیه)

الف) جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ.

مادم پوشید انگشتر طلایی‌اش را در جشن تولد برادر بزرگترم

۲. شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ.

تشویق کردیم تیم برنده‌مان را در پایان مسابقه

۳. قَسَمْتُ مَرْزَعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.

مرزمره بزرگمان را به دو نیم تقسیم شد

۴. هُوَ يَعْمَلُ بِوَجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ.

او تالیف مدرسه‌ای‌اش را انجام می‌دهد.

۵. كَانَتْ سَفَرَتُنَا الْعِلْمِيَّةُ مُفِيدَةً.

سفر علمی‌مان مفید بود

۶. أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ.

برخی‌ام را از تو تشکر می‌کنم.

ب) مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم

کنید.

الْتَّمَارِين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:



درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.



١. «الشَّرَكَةُ» مُؤَسَّسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.



٢. «الْقِطَارُ» مَكَانٌ بَيْعِ البَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَابِسِ وَ الْفَوَاكِهِ.



٣. «الْمَطْبَعَةُ» مَخْرَنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ كَالْخُبْزِ.



٤. «الطُّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ.



٥. «الصَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءٌ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرَّعْدِ.

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف‌الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان

خط کشیده شده است، معلوم کنید.



جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.

صفت

صفت

سربازان قوی ما، سربازانی با ایمان هستند.

مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ

اصفهان.

مضاف الیه

مسجد امام اثری قدیمی در استان اصفهان است.



الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى
 نَهْرِ كَارُونِ.
 سفید پل روی رودخانه کارون است

مَرْقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي
 مَدِينَةِ هَمْدَانَ.
 آرامگاه دانشمند ایرانی ابن سینا در شهر همدان است

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

عَاقِلٌ ≠ مَجْنُونٌ	نَامٌ = رَقَدَ	رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ
جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ	سَدٌّ ≠ فَتَحَ	طَوِيلٌ ≠ قَصِيرٌ
جَاءَ = أَتَى	صَعْبٌ ≠ سَهْلٌ	وَضَعَ = جَعَلَ
قَرَعَ = طَرَقَ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ	أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءٌ

٤ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

أُنْقِذَ - رَيْسِي - احْتَرَقَ - طَبَعَ - نَفَقَاتُ - الصَّحِيفَةُ - بَضَائِعَ

١. كَانَتْ **نَفَقَاتُ** الْجَامِعَةِ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.
٢. اِنْكَسَرَتْ إِحْدَى الزُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ؛ فَ**احْتَرَقَ** كُلُّ الْأَشْيَاءِ.
٣. يَجْلِبُ التَّاجِرُ **بَضَائِعَ** جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.
٤. يَبْدَأُ وَالِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةِ **الصَّحِيفَةِ** دَائِمًا.
٥. **أُنْقِذَ** إِدِيسُونَ طِفْلًا مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

٥ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

ماضی منفی	مضارع منفی	مستقبل (آینده)	امر	نهی
ما دَهَبَ: نرفت	لا يَذْهَبُ:	سَيَذْهَبُ:	اِذْهَبْ:	لا تَذْهَبْ:
	نمی رود	خواهند رفت	برو	نرو
ما شَرَبُوا: نوشیدند	لا يَشْرَبُونَ:	سَيَشْرَبُونَ:	اشْرَبُوا:	لا تَشْرَبُوا:
	نمی نوشند	خواهند نوشید	بنوشید	ننوشید
ما غَسَلَ: نشست	لا يَغْسِلُ:	سَوْفَ يَغْسِلُ:	اغْسِلْ:	لا تَغْسِلْ:
	نمی سويد	خواهند نشست	بشوی	نشوی

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.

یا خدا بر تو لازم است بس قضا آن، روشنائی دل است

۲. جَلِيسُ السَّوِّ شَيْطَانٌ.

همنشین بد شیطان است

۳. الدُّنْيَا مَزْرَعَةُ الْآخِرَةِ.

دنیای منزه آخرت است

۴. الْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ.

علم کنبی عظیم است

۵. النَّوْمُ أَخُو الْمَوْتِ.

خواب برادر مرگ است



تحقیق کنید و یک فرد را که با تلاش بسیار در زندگی موفق شده و به بشریت خدمت کرده است، در کلاس معرفی کنید.

بِقَوْلِهِ

۱- الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ إِلَى الرَّابِعِ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَدِيثُ الْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ السُّورِ الْمَكِّيَّةِ وَ السُّورِ الْمَدَنِيَّةِ؟

السُّورُ الْمَكِّيَّةُ نَزَلَتْ قَبْلَ الْهَجْرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ، **سوره های مکی پیش از هجرت به مدینه نازل شده است**
وَأَغْلَبُهَا **يَدُورُ عَلَى** بَيَانِ الْعَقِيدَةِ، **و غالب آن پیرامون بیان عقیده است**
أَمَّا السُّورُ الْمَدَنِيَّةُ نَزَلَتْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ، **ولی سوره های مدنی بعد از هجرت نازل شده است**
وَيَكْثُرُ فِيهَا بَيَانُ الْأَحْكَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ. **و در آن بیان احکام از حلال و حرام بیشتر است**





الدَّرْسُ الثَّامِنُ



مَكَّة الْمُكَرَّمَةُ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

الْمُعْجَم: (۱۳ کلمه جدید)

کارگران «مفرد: عامل»	عَمَال:	بیرون آورد	اِسْتَخْرَجَ:
کار می‌کردم	كُنْتُ أَشْتَغِلُ:	(مضارع: يَسْتَخْرِجُ)	
وظیفه بود؛ تشکر لازم نیست	لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ:	کار کرد	اِسْتَعَلَ:
		(مضارع: يَسْتَعِلُ)	
نداشتم	مَا كَانَتْ عِنْدِي:	چاه	بُئِرَ:
موزه	مُتَحَف:	بیا	تَعَالَ:
گرامی داشته شده	مُكْرَم:	سی	ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ:
پول، پول‌ها	نُقُود:	راهنما	دَلِيل:



حوار بين الزائر و سائق سيارة الأجرة

- 1 - السَّلامُ عَلَيْكُمْ. - عَلَيْكُمْ السَّلامُ؛ أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟
- 2 - نَذْهَبُ إِلَى مُتَحَفِ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. - أَهلاً وَسَهلاً بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. ارْكَبُوا.
- 3 - كَمْ رِيَالاً تَأْخُذُ مِنَّا؟ - أَرْبَعِينَ رِيالاً.
- 4 - الْأَجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أَشْخاصٍ. - عَفْوا؛ ثَلَاثُونَ رِيالاً. لِكُلِّ زائرٍ عَشْرَةُ رِياتٍ.
- 5 - هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإيرانيَّةَ؟ - نَعَمْ. لا بَأْسَ. يا شَبابُ، هَلْ أَنْتُمْ إيرانيُّونَ؟
- 6 - نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا باكِستانيٌّ وَ أَشْتَغِلُ هُنا. فِي وَطْني كُنْتُ أَشْتَغِلُ فِي المَزْرَعَةِ.
- 7 - أَرَأَيْتَ المُتَحَفَ حَتَّى الآنَ؟ - لا؛ ما رَأَيْتُهُ. ما كَانَتْ عِنْدِي فُرْصَةٌ.
- 8 - لِمَاذَا ما ذَهَبْتَ إِلَى هُناكَ؟! - لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى المَساءِ.
- 9 - عَفْوا؛ كَمْ السَّاعَةُ؟ - العَاشِرَةُ تَمَاماً.
- 10 - تَعَالَ مَعَنَا؛ ثُمَّ نَرْجِعُ مَعاً؛ هَلْ تَقْبَلُ؟ - لا؛ لا أَقْدِرُ. شُكراً جَزِيلاً.



گفتگوی میان زائر و راننده تاکسی

- 1 - سلام علیکم - سلام علیکم کجایم روید؟
 - 2 - به موزه مکه مکتومه می رویم - خوش آمدید، بفرماید، سوار شوید.
 - 3 - چند ریال از ما می گیری؟ - چهل ریال.
 - 4 - گرانه گران است. ماهه تقویم - بکشید سی ریال بهر زائر ده ریال.
 - 5 - آیا پول های ایرانی را قبول می کنی؟ - بله ایرادی ندارد. ای جوان! آیا شما ایرانی هستید؟
 - 6 - بله. و تو اهل کجایی؟ - من پاکستانی هستم و اینجا کاری کنم در وطنم در مکتومه کاری کنم.
 - 7 - آیا تا الان موزه را دیدی؟ - نه آن را ندیدم. فرصتی نداشتم.
 - 8 - چرا به آنجا نرفتی؟ - چون من از صبح تا عصر کاری کنم.
 - 9 - بکشید ساعت چند است؟ - ده تمام.
 - 10 - با ما بیا سپس با هم برای مردم، آیا قبول کنی؟ - نه نمی توانم. خیلی ممنون.
- ## گفتگوی میان زائر و راهنمای موزه
- 11 - چه چیزی در این موزه است؟ - آثار تاریخی برای حرمین شریفین (مکه مدینه).
 - 12 - آن ستون چیست؟ - ستون چوبی برای کعبه.
 - 13 - و این آثار چیست؟ - درب منبر قدم برای مسجد نبوی، آثار چاه زمزم.
 - 14 - به خاطر توضیحات مفیدت از تو ممنونم - و لطفه بود.
- تعداد حرمین (مکه مدینه) و قبرستان بقیع و آثار زیارتی دیگر

جَوَارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

- 11- ماذا في هَذَا الْمُتَحَفِّ؟
 12- ما ذَلِكَ الْعَمُودُ؟
 13- وَ ما هَذِهِ الْأَثَارُ؟
 14- أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. - لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.
- الْأَثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.
 - الْعَمُودُ الْخَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.
 - بَابُ الْمَنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛
 آثَارُ بَيْتِ زَمَرْمَ؛ صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ
 الْبَقِيعِ؛ وَ آثَارُ جَمِيلَةٍ أُخْرَى.

درستی یا نادرستی جمله های زیر را با توجه به متن درس معلوم کنید.



۱. الزُّوَارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ.
۲. الزُّوَارُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكَبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ.
۳. السَّائِقُ يَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظُّهْرِ.
۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجَرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزُّوَارِ.
۵. فِي الْمُتَحَفِّ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی

كانوا يَفْعَلُونَ = انجام می دادند

ماضی استمراری: نشان دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛

مثال: می نوشتند: كانوا يَكْتُبُونَ

كانَ + فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری در فارسی



اَلْبَيْتَانِ كَانَتَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَاتِهِمَا.
دو دختر تکالیفشان را می نوشتند



اَلطُّلَّابُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ.
دانش آموزان با دقت درس می خوانند

فعل «كانَ» هرگاه پیش از فعل مضارع بیاید، معادل «ماضی استمراری»

در فارسی ترجمه می شود؛ مثال:

هُمَ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾ اَلنَّحْلُ: ٣٣

و خدا به آنها ستم نکرد، ولی خود به خویشان ستم می کردند.

با توجه به آنچه خواندید جمله‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. ﴿... كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ الْأَنْعَام: ۱۲۷

انجام می دادند

۲. ﴿... كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ ...﴾ الْمَائِدَة: ۷۵

غذا می خوردند

۳. ﴿... وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾ الْمَائِدَة: ۶۱

و خداوند به آنچه پنهان می کردند دانستار است

۴. ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْبَقَرَة: ۷۵

گروهی از آنها سخن خدا را می شنیدند

۵. كَانَ طُلَّابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ.

دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می خواندند

الْتَّمَارِين

۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.



۱. دَلِيلُ الْمُتَحَفِ يَشْتَغِلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ.

۲. أَلْبَسْتُ حُفْرَةً عَمِيقَةً فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ.

۳. فِي الْمُتَحَفِ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْبَيْعِ وَ الشُّرَاءِ.

۴. الْبَطَّارِيَّةُ مَخْزَنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ.

۵. بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ.

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.



كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛
فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.

برادر کوچکم تکالیفش را می نوشت
پس خواب او را فراگرفت

كَانَ الْعُمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتًا وَ هُمْ الْآنَ
وَاقِفُونَ.

کارگران خانه ای می ساختند و آنجا
الکون ایستاده اند

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

يَرْكَبُونَ - يَشْتَغِلُ - نَقُودٌ - تَعَالَ - الْبُئْرُ - تَفْضُلُ - دَلِيلُ

۱. أَيْنَ يَشْتَغِلُ أَخُوكَ الْأَكْبَرُ؟ - هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

۲. أَلَدَّرَهُمْ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ اللَّيْرَةُ أَسْمَاءُ نَقُودٍ .

۳. حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى دَلِيلٍ السَّفَرِ.

۴. اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنَ الْبُئْرِ لِلزَّرْعَةِ.

۵. كَانَ التَّلَامِيذُ يَرْكَبُونَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

٤ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جدول زیر را کامل کنید.

سَمِعَ	شنید	يَسْمَعُ	می‌شنود	كَانَ يَسْمَعُ	می‌شنید
أَنْقَذَ	نجات داد	يُنْقِذُ	نجات می‌دهد	كَانَ يُنْقِذُ	نجات می‌داد
اِسْتَعْلَا	کار کردند	يَسْتَعْلَانِ	کاری کنند	كَانَا يَسْتَعْلَانِ	کاری می‌کردند
حَاوَلُوا	تلاش کردند	يُحَاوِلُونَ	تلاش می‌کنند	كَانُوا يُحَاوِلُونَ	تلاش می‌کردند
حَضَرَتَا	حاضر شدند	هُمَا تَحْضُرَانِ	آن دو حاضر می‌شوند	كَانَتَا تَحْضُرَانِ	حاضر می‌شدند
سَاعَدُوا	کمک کردند	يُسَاعِدُونَ	کمک می‌کنند	كَانُوا يُسَاعِدُونَ	کمک می‌کردند

٥ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

١. الْكَهْرَبَاءُ ●
 ٢. الْمَطَرُ ●
 ٣. الْعَرَبَةُ ●
 ٤. الرَّئِيسِيُّ ●
 ٥. الْأَعْدُو ●
 ٦. الْفَلَّاحُ ●
 ٧. النَّارُ ●
- طَاقَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ. ●
- هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ، بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ. ●
- قَطَرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ. ●
- نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْحَشَبِ وَ غَيْرِهِ. ●
- مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ. ●

زیر هر تصویر^۱ نام آن را به عربی بنویسید.

شَلالات شوشتر - مَرَقْدُ بایزید - جِسْرُ جاومیشان - سوقُ کرمان -
غابَةُ اَرَسباران - عَینُ بیستون



۳- شَلالات شوشتر



۲- سوق کرمان



۱- جِسْر جاومیشان



۶- مَرَقْد بایزید



۵- غابَةُ اَرَسباران



۴- عَین بیستون

۱- تصویرهای بالا به ترتیب از استان‌های: ۱. ایلام و لرستان ۲. کرمان ۳. خوزستان ۴. کرمانشاه ۵. آذربایجان شرقی ۶. سمنان است.

با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

كيمياوي - ادوات - مسلم - نقود - مجالسات - محاولات - ملفات - ازهار - استخرج - اتمنى -
لا بأس - ممر مشاة - تعال - منظمات - اعداء - زراعة - تفضل - تلميذات - ثلاثون - ياليت - دراسي



	م	ل	س	م	ا		١
ي	و	ا	ي	م	ي	ر	٢
ت	ا	و	د	ا			٣
		ل	ا	ع	ت		٤
ت	ا	س	ل	ا	ج	م	٥
	د	و	ق	ن			٦
ت	ا	ل	و	ا	ح	م	٧
	ي	ن	م	أ	ث		٨
	ج	ر	خ	س	ا		٩
س	أ	ب	ا	ل			١٠
	د	ا	د	ع	ا		١١
	ت	ا	م	ظ	ن	م	١٢
		ا	ه	ز	ا		١٣
ة	ا	ش	م	ر	م	م	١٤
	ت	ا	ف	ل	م		١٥
ت	ا	ذ	ي	م	ل	ت	١٦
ن	ي	ث	ا	ل	ث		١٧
	ت	ي	ل	ا	ي		١٨
		ي	س	ا	ر	د	١٩
	ل	ض	ف	ت			٢٠
ي	ع	ا	ر	ز			٢١

۱. مسلمان
۲. شیمیایی
۳. ابزارها
۴. بیا
۵. همنشینی‌ها
۶. پول
۷. تلاش‌ها
۸. آرزو می‌کنم
۹. بیرون آورد
۱۰. اشکالی ندارد
۱۱. دشمنان
۱۲. سازمان‌ها
۱۳. شکوفه‌ها
۱۴. گذرگاه پیاده
۱۵. پرورنده‌ها
۱۶. دانش‌آموزان (د)
۱۷. سی
۱۸. ای کاش
۱۹. تحصیلی
۲۰. بفرما
۲۱. کشاورزی

رمز: ١٠٨ سيد القوم خادِمُهُمْ فِي الشَّرِّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

الْأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ (محبوب‌ترین نزد خداوند) مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

۱. «أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْأَيْدِي.»

محبوب‌ترین غذا نزد خدا آن است که دست‌ها بر آن بیشتر باشد

۲. «أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ.»

محبوب‌ترین خانه‌ها نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شده است.

۳. «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.»

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

۴. «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.»

محبوب‌ترین کار نزد خدا حفظ زبان است.



یک گفت‌وگو در سفری زیارتی بیابید و آن را با هم کلاسی‌هایتان اجرا کنید. از اجرای کارتان فیلم بگیرید و به دبیرتان ارائه دهید.

تحقیق کنید

چند نمونه از تجلی قرآن و حدیث در سروده‌های بزرگان

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین (سعدی)

﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^۲ الرَّحْمَنُ: ۱، ۴

آسمان بارِ امانت نتوانست کشید قرعه کار به نام من دیوانه زدند (حافظ)

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۳

الأحزاب: ۷۲

آدمی مخفی است در زیر زبان این زبان پرده است بر درگاه جان (مولوی)

الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.^۴ الإمام علي عليه السلام

قیمت هر کس به قدر علم اوست این چنین گفتا امیر المؤمنین (ناصر خسرو)

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُهُ.^۵ الإمام علي عليه السلام

چو نومید گردد ز یزدان کسی ازو نیک‌بختی نیاید بسی (فردوسی)

﴿وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾^۶ يوسف: ۸۷

۱- در آزمون‌ها و مسابقات، از این بخش سؤال طرح نمی‌شود.

۲- خدای بخشاینده، قرآن را یاد داد؛ انسان را آفرید و به او سخن گفتن آموزش داد.

۳- ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند؛ ولی انسان آن را برداشت. بی‌گمان او ستمگری نادان بود.

۴- آدمی زیر زبانش پنهان است.

۵- ارزش هر انسانی به چیزهایی است که آن را می‌داند.

۶- از مهربانی خدا نومید نشوید؛ زیرا جز قوم کافر کسی از مهربانی خدا نومید نمی‌شود.



الدَّرْسُ التَّاسِعُ



تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: (٢٦ كلمة جديد)

أَحْسَنَ:	بهتر، بهترین	سَخَاء (سَخَاوَة):	بخشندگی
إِعْتَقَدَ:	اعتقاد داشت (مضارع: يَعْتَقِدُ)	سَمَاوِي:	آسمانی
أَمَكَنَ:	امکان داشت (مضارع: يُمَكِّنُ)	طَارَجَ:	تازه
إِنْتَبَاهَ:	توجه	طَيَّار:	خلبان
بَنَفْسَجِي:	بنفش	عَصِيرُ الْفَاكِهَةِ:	آبمیوه
تَعَبَ:	خستگی	غَارَة:	حمله «غارات لَيْلِيَّة: حملات شبانه»
تَعْوِضَ:	جبران کردن	قَشَر:	پوست
تَلْوِين:	رنگ آمیزی	قَلَّ:	کم شد (مضارع: يَقِلُّ)
تَنَاولَ:	خورد (مضارع: يَتَنَاولُ / مصدر: تَنَاولَ)	لَيَمُون:	لیمو
جَزَرَ:	هویج	مُجَفَّف:	خشک، خشک شده
حَرَّكَ:	تحریک کرد (مضارع: يُحَرِّكُ)	مِشْمِش:	زردآلو
حَلِيب:	شیر	مُهْدِي:	آرام بخش
خَطَأَ:	خطا «جمع: أَخْطَاء / خَطْؤُهُ: خطایش»	وَرَعَ:	پارسایی

نُصُوصٌ حَوْلَ الصِّحَّةِ

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ:

1 بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلْوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّرْزِينِ فَقَطَّ. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا:

2 «هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»

3 يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَاللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَائِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلَ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

5 أَمَّا النُّورُ الْأَحْمَرُ، فَنَشْعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ؛ لِأَنَّهُ يُحَرِّكُ الْأَعْصَابَ. 6 فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كإشاراتِ الْمُرُورِ؛ 7 أَمَّا غُرْفُ النَّوْمِ، فَالْأَفْضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِّئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.

فيتامين (A):

8 مِنْ فَوَائِدِ فَيْتَامِينِ «A» زِيَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ وَهُوَ مُفِيدٌ لِلْعَيْنِ وَكَانَ الطَّيَّارُونَ فِي

الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَهَذَا 10

الْفَيْتَامِينُ مَوْجُودٌ فِي السَّبَّاتِ وَالْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ

وَالْجَزَرِ وَفِشْرِ الْبُرْتُقَالِ.



1 برخی مردم می‌پندارند که رنگ فقط برای رنگ آمیزی یا نقاشی یا تزیین است ولی آیا روزی از خودمان پرسیدیم:

2 آیا معالجه بیماری با رنگ امکان پذیر است؟ تاثیر رنگ های مختلف چیست؟

3 برخی دانشمندان معتقدند که رنگ با برما تاثیر دارند.

4 قطعاً خورشیدترین رنگ برای چشم زنگ های طبیعی است که شب و روز آن را اطراف ما شاهد کنیم

و آن رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی پس زردی که رنگ برخی از برگ های پاییز است.

5 ولی نور قرمز هنگامی که به آن نگاه می کنیم احساس خستگی می کنیم چرا که آن، امواج را برگرداند

6 پس قانون را همینای و مانند آن را در مکان های بیماری گیرد که نیازمند توجه است مانند علائم ایمنی

7 اما اتاق های خواب پس شاید تر آن است که در آن رنگ های آرامش برکای اعیان استفاده مانند رنگ بنفش و مانند

8 از فوائد ویتامین A زیاد شدن وزن کودکان است و آن برای چشم مفید است. ویتامین A

9 و خلبانان در جنگ جهانی دوم پیش از حملات شبانه آن را می خوردند.

10 و این ویتامین در گیاهان و میوه های به رنگ زرد وجود دارد مانند زرد آلو، هویج و پوبت پرتقال

11 این ویتامین در شیر تازه یافت می شود و آن در شیر خشک نیست. ویتامین C

12 کودکانی که آن را به تنهایی می خورند در بیشتر اوقات در لاساق پایشان ضعف ای می شود.

13 جبران این نقص در تغذیه با خوردن آلبومو و آب پرتقال امکان پذیر است.

فيتامين (C):

- 11** يوجَدُ هَذَا الْفَيْتَامِينُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا يَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمَجْفَفِ، وَ
- 12** الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ يَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقَيْنِ. وَ
- 13** يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتُقَالِ.



با توجه به متن درس، درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



۱. كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَ فَيْتَامِينَ «A» قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ.



۲. يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ الضَّعْفِ فِي السَّاقَيْنِ فِي الْأَطْفَالِ بِتَنَاوُلِ الرُّزِّ.



۳. الْأَسْوَدُ أَفْضَلُ لَوْنٍ مُهْدِيٍّ لِلْأَعْصَابِ فِي غُرْفِ النَّوْمِ.



۴. لَا يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا.



۵. يَوْجَدُ فَيْتَامِينُ «C» فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ.



ساعت خوانی



(الْخَامِسَةُ ٥ - الْخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ ٥:١٥ - الْخَامِسَةُ إِلَّا رُبْعاً ٤:٤٥)

كَمْ السَّاعَةُ الْآنَ؟



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعاً.



التَّاسِعَةُ وَالرُّبْعُ.



التَّاسِعَةُ تَمَاماً.

زیر هر تصویر زمان آن را بنویسید. (از نوشته‌های زیر استفاده کنید.)

الْخَامِسَةُ تَمَاماً / الْوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ

الْعَاشِرَةُ وَالرُّبْعُ / الثَّلَاثَةُ إِلَّا رُبْعاً / السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعاً

الرَّابِعَةُ وَالنِّصْفُ / الثَّمَانَةُ إِلَّا رُبْعاً / الْعَاشِرَةُ تَمَاماً



الْخَامِسَةُ تَمَاماً



الوَاحِدَةُ وَالرُّبْعُ



الثَّمَانَةُ وَالنِّصْفُ



الثالثة الأربعا



السادسة الأربعا



العاشرة والرابع



السابعة والنصف



الثامنة الأربعا



العاشرة تماماً

ساعت خوانى:

١. ساعت كامل:

مثال: الْوَاحِدَةُ تَمَاماً / الثَّانِيَةُ تَمَاماً / ...

٢. ساعت كامل به اضافه نيم و ربع:

مثال: الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ / ...

٣. يك ربع مانده به ساعت كامل:

مثال: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعاً / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعاً / ...

ترجمه کنید.

ده و ربع	الْعَاشِرَةُ وَ الرَّبْعُ:	یازده تمام	الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:
یک و نیم	الْوَحْدَةُ وَ النِّصْفُ:	دوازده تمام	الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَامًا:

توجّه

در زبان ادبی عربی، هنگام بیانِ ساعت، عددهای ترتیبیِ مؤنث به کار می‌رود؛ جز در ساعتِ «یک» که «الْوَحْدَةُ» گفته می‌شود.

الْتَّمَارِینُ

١ التَّمْرِینُ الْأَوَّلُ

توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه‌ها از متن درس است؟

- | | |
|---------------|--|
| اللیمون | ١. فَاكِهَةٌ شَبِيهَةٌ بِالْبُرْتُقَالِ؛ وَلَكِنَّهَا أَصْغَرُ مِنْهُ. |
| إشارات المرور | ٢. عَلَامَاتٌ لِلسَّائِقِ وَ الْعَابِرِ فِي الطَّرِيقِ: |
| الفات التلیة | ٣. الْهُجُومُ بِالطَّائِرَةِ عَلَى الْعَدُوِّ فِي اللَّيْلِ: |
| طاج | ٤. أَحْسَنُ صِفَةٍ لِلْحَلِيبِ: |
| طیار | ٥. إِسْمُ سَائِقِ الطَّائِرَةِ: |
| عصیر الفایعة | ٦. مَاءُ الثَّمَرِ: |

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

أَخْضَر - أَحْمَر - أَزْرَق - أَبْيَض - أَصْفَر - أَسْوَد



الْفَرَسُ الْأَسْوَدُ جَنَّبَ سَاحِلَ الْبَحْرِ.

اسب سیاه کنار ساحل دریاست



هَذَا الْبُسْتَانُ الْأَخْضَرُ جَمِيلٌ.

این باغ سبز زیباست



الرَّمَانُ الْأَحْمَرُ فَاكِهَةُ الْجَنَّةِ.

انار قرمز میوه بهشت است



الطَّائِرُ الْأَزْرَقُ عَلَى خَشَبَةٍ.

پرندۀ آبی روی چوب است



اللون الأبيض علامة النظافة و الصفاء.
رنگ سفید نشانه پاکیزگی و صفاست

في العنب الأصفر فيتامينات كثيرة.
در انگور زرد ویتامین های بسیاری است

٣ التمرين الثالث:

باتوجه به تصویر پاسخ دهید.

في الساعة السادسة مساءً / في الساعة الثانية عشرة
في الساعة الثامنة ليلاً / في الساعة التاسعة صباحاً



فرماندهان شهید دفاع مقدس

متى موعد أذان الظهر؟

في الساعة الثانية عشرة

متى تذهبون إلى ساحة الحرب؟

في الساعة السادسة مساءً



مَتَى تَذْهَبْنَ إِلَى الْمُتَحَفِ؟

فِي السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ تِهَامًا



مَتَى تَتَنَاوَلُ عَشَاءَكَ؟

فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ لَيْلًا

٤ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

إِشْرَبَ - الْجَزَرَ - تَعَبَ - مُهَدِّئَةً - الْمِشْمِشَ - تَعْوِضُ - الْإِنْتِبَاهُ

١. كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوبًا مُهَدِّئَةً لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

٢. إِشْرَبَ عَصِيرَ اللَّيْمُونِ وَ الْبُرْتُقَالِ لِصِحَّتِكَ.

٣. عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى النَّوْرِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِالتَّعَبِ.

٤. إِنَّ الْجَزَرَ مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعُيُونِ.

٥. تَمَرُ الْمِشْمِشِ فِي بَدَايَةِ الصَّيْفِ.

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- | | |
|-----------------|--|
| ۱. النَّهَارُ | قُدْرَةُ عَرَضٍ ^۱ الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَالْأَلْوَانِ. |
| ۲. الْمُتَحَفُّ | مَكَانٌ لِحِفْظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. |
| ۳. التَّلْوِينُ | لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ ^۲ . |
| ۴. الْعَامِلُ | صِفَةُ حَسَنَةٍ لِلْحَلِيبِ وَالْفَاكِهَةِ. |
| ۵. الطَّارِجُ | مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَاللَّيْلِ. |
| ۶. الشَّاحِنُ | إِعْطَاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ. |
| ۷. الرَّسْمُ | |
| ۸. الْأَزْرَقُ | |

۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

إِسْتَلَمَ ≠ دَفَعَ	تَعَالَ ≠ إِذْهَبَ	حَرْبٌ ≠ صَلَحَ	أَحْسَنَ = أَفْضَلَ
إِشَارَاتٌ = عِلَامَاتٌ	بَعْتَةٌ = فَجَاءَةٌ	مَوْتُ ≠ حَيَاةٌ	قَلٌّ ≠ كَثْرٌ
تَنَاوَلَ = أَكَلَ	قُبْحٌ ≠ حُسْنٌ	سَتَرَ = كَتَمَ	وَرَعٌ = تَقَوُّى
رَسَبَ ≠ نَجَحَ	إِعْطَاءٌ ≠ أَخَذَ	فَرَحٌ = سُرُورٌ	أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ
دُكَّانٌ = مَحَلٌّ	يَنْقُصُ ≠ يَزِيدُ	رَكِبَ ≠ نَزَلَ	صِغَرٌ ≠ كِبَرٌ

۱- عَرَضٌ: عرضه کردن، نمایش دادن، نشان دادن

۲- صَافِيَةٌ: صاف، پاک و بی آلودگی

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید^۱.

۱. اَلْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأُمَرَاءِ أَحْسَنُ، وَ السَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، الْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، الصَّبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.



عدالت خوب است ولی در فرمانروایان بهتر، بخشش خوب است ولی در ثروتمندان
بهتر است. تقوا خوب است ولی در دانشمندان بهتر. صبر خوب است ولی
در فقرا بهتر. توبه خوب است ولی در جوانان بهتر، حیا
خوب است ولی در زنان بهتر.

۱- النَّصُّ الْأَوَّلُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ النَّصُّ الثَّانِي مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ ع

۲. مَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثَرَ خَطُّهُ^۱، وَمَنْ كَثَرَ خَطُّهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ^۲، وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَمَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.



بهره سخنش زیاد شود خطایش زیاد شود و هر کس خطایش زیاد شود حیاش
کم گردد و بهره حیاش کم شود تقوایش کم گردد و بهره تقوایش کم شود
قلبش ببرد و بهره قلبش ببرد داخل آتش شود

۱- خَطُّهُ : خطایش (خَطَّ + ه)

۲- حَيَاؤُهُ : شرم او (حَيَاءُ + ه)

- در اینترنت جست‌وجو کنید و متنی کوتاه به زبان عربی دربارهٔ خواص یکی از میوه‌ها بیابید.
- نام چه میوه‌هایی در سه کتاب عربی، زبان قرآن آمده است؟
- نام کدام یک از آن‌ها در قرآن آمده است؟

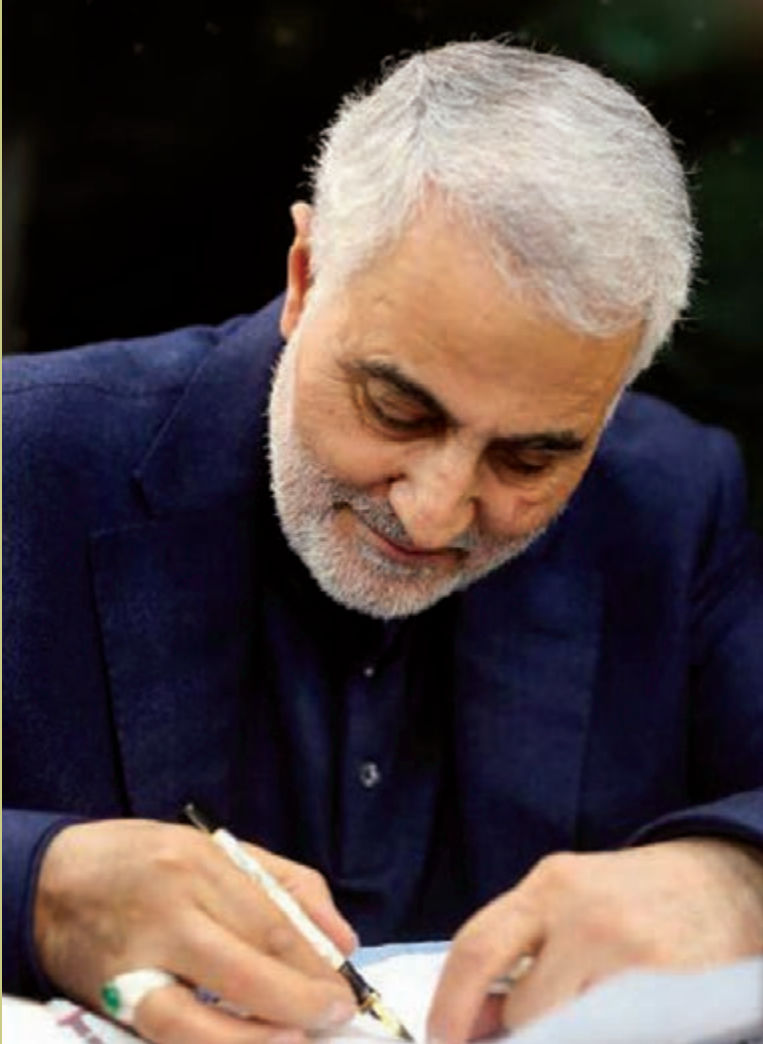




الدَّرْسُ العَاشِرُ



رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي



الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

الْمُعْجَم: (۱۹ كلمة جديد)

إِتِّصَالَ:	تماس گرفتن	الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ:	پانزدهم
أَرْجُو:	خواهش می‌کنم	دُونَ إِذْنِكُمْ:	بدون اجازه شما
إِسْتَخْدَمَ:	به کار گرفت	عَائِلَةً:	خانواده = أُسْرَة
أَضْرَارَ:	زیان‌ها «مفرد: ضَرَر»	لِأَيِّ شَيْءٍ:	برای هر چیزی
إِلْتِزَام:	پایبندی	لَحِقَ بِبَيْتِكُمْ:	به خانه شما رسیده است
أَهْدَيْتُ:	هدیه کردم	مُسْتَعِدَّ:	آماده
تَحْرِيرَ:	آزادسازی	نَسِيرُ:	حرکت می‌کنیم (سار: حرکت کرد)
تَعْرِفُونَنِي:	مرا می‌شناسید	يُمْكِنُ الْقَوْلُ:	می‌شود گفت
ثَمَنَ:	بها = سَعَر، قِيَمَة	يَنْهَضُ:	برمی‌خیزد (ماضی: نَهَضَ)
حَاسِبُ:	رایانه		

رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي

1 كَتَبَ الشَّهِيدُ الْحَاجُّ قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي رِسَالَةً لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ الَّذِي اسْتَخْدَمَهُ كَمَقَرٍّ لَهُ خِلَالَ عَمَلِيَّاتِ تَحْرِيرِ «الْبُوْكَمَال» فِي سُوْرِيَّةٍ، يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُّعُهُ وَالتِّزَامُهُ بِالْحَقِّ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

2 مِنْ قَاسِمِ سُلَيْمَانِي إِلَى الْعَائِلَةِ الْعَزِيْزَةِ وَ الْمُحْتَرَمَةِ. اَلْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

3 اِنَّكُمْ تَعْرِفُونَنِي حَقًّا. نَحْنُ الْمُجَاهِدِيْنَ سَاعِدْنَا الْمُسْلِمِيْنَ مِنْ اَهْلِ السُّنَّةِ فِي جَمِيْعِ الْعَالَمِ.

4 نَحْنُ شِيعَةٌ وَ يُمَكِّنُ الْقَوْلُ بِاَنَّنا مِنْ اَهْلِ السُّنَّةِ؛ لِاَنَّنا نَسِيْرٌ عَلَى سُنَّةِ رَسُوْلِ اللَّهِ ﷺ، وَ نَعْمَلُ بِهَا.

5 وَ اَنْتُمْ شِيعَةٌ لِاَنَّكُمْ تُحِبُّوْنَ اَهْلَ الْبَيْتِ ﷺ.

6 لَقَدْ عَرَفْتُ مِنْ خِلَالِ وُجُوْدِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيْمِ وَ صَحِيْحِ الْبُخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْاُخْرَى فِي بَيْتِكُمْ اَنَّكُمْ مُتَدَيِّنُونَ؛ لِهَذَا اَطْلُبُ مِنْكُمْ شَيْئَيْنِ:

7 اَلْأَوَّلُ: اَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْدِرَةَ؛ لِاَنَّنا جَعَلْنَا بَيْتَكُمْ مَقَرًّا لَنَا دُونَ اِذْنِكُمْ.

8 اَلثَّانِي: اَرْجُو مِنْكُمْ طَلَبَ الضَّرَرِ الَّذِي لِحَقِّ بَيْتِكُمْ. فَنَحْنُ مُسْتَعِدُّونَ لِدَفْعِ الثَّمَنِ.

.....

نامه شهید سلیمانی

- 1 شهید حاج قاسم سلیمانی نامه‌ای نوشت برای معاص خانهای که آن را به عنوان معانی به کار برده بود
در پی عملیات آزادسازی البوعلی در سوریه که در آن توانمندش و التزامش به حق آشکار شود
به نام خداوند بخشنده بخشنده
- 2 از قاسم سلیمانی به خانواده عزیز و محترم سلام علیکم
- 3 شما قطعاً مرا می‌شناسید. ما رزمندگان، مسلمانان از اهل سنت را در تمام دنیا محکم کردیم.
- 4 ما شیعه هستیم این سخن اعلان پذیر است. این که ما اهل سنت باشیم چرا که ما براساس سنت رسول خدا ^ص
حرکت می‌کنیم و به آن عمل می‌کنیم. 5 و شما شیعه هستید چرا که شما اهل بیت ^ع را دوست دارید.
- 6 من از طریق وجود کتاب قرآن کریم و صحیح بخاری و کتابهای دیگر دانستم که شما متدین هستید.
بنابراین در چیز را از شما درخواست می‌کنم.
- 7 اول از شما معذرت می‌خواهم چرا که بدون اجازه شما منزلتان را موقتاً قرار دادیم.
- 8 دوم از شما درخواست ضرری را می‌خواهم که به خاندان رسیده پس ما برای پرداخت هزینه آماده‌ایم.
- 9 مادر خاندان نماز خواندیم، رزقت نماز خواندم و توانش را به شما هدیه کردم و برای شما از خدا عاقبت بخیری
خواستم
- 10 ما نیازمند دعایتان هستیم.
- 11 لطفاً بهای ضرری را از من درخواست کنید پس این شماره تلفن من در ایران است. از شما خواهم
می‌کنم با من تماس بگیرید و من آماده هر چیزی هستم که آن را می‌خواهید.
- 12 شماره تلفن: ۹۸۹۱۲ پسران یا برادران سلیمانی

9 نَحْنُ صَلَّيْنَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ وَأَهْدَيْتُ ثَوَابَهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتُ مِنَ اللَّهِ حُسْنَ الْعَاقِبَةِ لَكُمْ.

10 نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى دُعَائِكُمْ.

11 رَجَاءً، أَطْلُبُوا مِنِّي ثَمَنَ الْأَضْرَارِ، فَهَذَا رَقْمُ هَاتِفِي فِي إِيرَانَ، أَرْجُو مِنْكُمْ الْإِتِّصَالَ بِي، وَأَنَا مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ تُرِيدُونَهُ.

12 رَقْمُ الْهَاتِفِ: ٠٠٩٨٩١٣-----
إِبْنُكُمْ، أَوْ أَخُوكُمْ: سُلَيْمَانِي.



با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

۱. مَا الْعَمَلِيَّاتُ الَّتِي اسْتُخْدِمَ الشَّهِيدُ مَنْزِلًا مِنْ مَنَازِلِ النَّاسِ فِيهَا؟
تحریر السوئل
۲. مِنْ أَيْنَ عَرَفَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي بِأَنَّ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ مُتَدَيِّنٌ؟
كتاب القرآن الكريم وشرح البحار
۳. هَلْ كَتَبَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي رَقَمَ هَاتِفِهِ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟
نعم
۴. لِمَاذَا اسْتُخْدِمَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي مَنْزِلًا فِي الْبُوكْمَالِ؟
کتمتاره خلال عمليا تمرير السوئل
۵. مَاذَا يَظْهَرُ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ رِسَالَةِ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي؟
تواضعه والتزامه للتحقق
۶. مَنْ كَتَبَ رِسَالَةَ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟
الشهيد سليمان

الْتَّمَارِينُ الْعَامَّةُ

الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ:

سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

- | | |
|--|--|
| عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. | عاقبت، جوینده یابنده بود. |
| الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. | نو که آمد به بازار کهنه شود دل آزار |
| أُسْتُرْ ذَهَبُكَ وَ ذَهَابُكَ وَ مَذْهَبُكَ. | چاه مکن بهر کسی اول خودت دوم کسی |
| مَنْ حَفَرَ بَيْتًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا. | عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی غسل. |
| الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ. | یار بد بدتر بود از مار بد |
| مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ، وَجَدَ. | دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود |
| لِكُلِّ جَدِيدٍ لَدَّةٌ. | در بیان این سه، کم جنبان لب از ذهاب و از ذهب وز مذهب |

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ضرب المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

۱. عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ. *کبک در دست بهتر است از ده کبک در درخت*
۲. مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ. *آنچه در دنیا بکاری در آخرت درو می کنی*
۳. مَنْ طَلَبَ أَخًا^۱ بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ. *هر که دوست بی عیب بطلبد بدون دوست ماند*
۴. هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ. *این اسب و این میدان*
۵. يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا. *روزی به سود ما و روزی به ضرر ما*

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

- | | | | | |
|-----------------------|--|--|---|--|
| ۱. السَّحَابُ | ☒ الْمَطَرُ | ☐ الصَّحِيفَةُ | ☐ الصُّورَةُ | ☐ الْعَرَبَةُ |
| ۲. حَفْلَةُ الزَّوْجِ | ☐ الرَّاqِدُ | ☐ الْأَبْحَاثُ | ☒ الْعَرُوسُ | ☐ الصَّوْمُ |
| ۳. عَصَفَتْ | ☐ الْأَسَدُ | ☐ الرَّاسِبُ | ☐ الْجُسُورُ | ☒ الرِّيَّاحُ |
| ۴. الْكَهْرَبَاءُ | ☐ النَّبَاتُ | ☒ الْبَطَارِيَّةُ | ☐ الْغَضَبَانُ | ☐ الزُّجَاجَةُ |
| ۵. الدُّخَانُ | ☐ الطَّرِيقُ | ☐ الْعَمِيقُ | ☒ الْحَرِيقُ | ☐ الْفَرِيقُ |
| ۶. أَلْبَابُ | ☒ قَرَعَ | ☐ لَجَّ | ☐ كَثَرَ | ☐ نَهَضَ |

۱- آخ: برادر، دوست

٤ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

اجْعَلْ - التَّقَاعُدُ - قَرِيضَةٌ - تَمَوْتُ - الْأُمَمَاتِ - الْمَمَرُ - شَقَاوَةٌ - أَنْفَعُهُمْ

١. اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ؛ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ؛ كَأَنَّكَ **تَمُوتُ** عَدَا.

٢. مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ **شَقَاوَةِ** ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ.

٣. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلْ **الْعَفْوَ** عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.

٤. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ **فَرِيضَةٌ**.

٥. أَفْضَلُ النَّاسِ **أَنْفَعُهُمْ** لِلنَّاسِ.

٦. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ **الْأُمَمَاتِ** !

٥ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.

عددهای اصلی			
١. واحد	٢. اِثْنَانِ	٣. ثَلَاثَةٌ	٤. أَرْبَعَةٌ
٥. خَمْسَةٌ	٦. سِتَّةٌ	٧. سَبْعَةٌ	٨. ثَمَانِيَةٌ
٩. تِسْعَةٌ	١٠. عَشْرَةٌ	١١. أَحَدَ عَشَرَ	١٢. اِثْنَا عَشَرَ

عددهای ترتیبی			
١. الْأَوَّلُ	٢. الثَّانِي	٣. الثَّلَاثُ	٤. الرَّابِعُ
٥. الْخَامِسُ	٦. السَّادِسُ	٧. السَّابِعُ	٨. الثَّامِنُ
٩. التَّاسِعُ	١٠. الْعَاشِرُ	١١. الْحَادِي عَشَرَ	١٢. الثَّانِي عَشَرَ

٦ التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

١. جَرَيَانُ قَطَرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ أَوْ الْوَجَعِ. ☒ أَلْنِيَابَةُ ☐
٢. مَرْكَزُ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ. ☒ أَلْمُسْتَشْفَى ☐ أَلْجَامِعَةُ ☐
٣. شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. ☒ أَلطُّلَابُ ☐ أَلشَّرْطِيُّ ☐
٤. طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي شَمَالِ إِيرَانَ. ☒ أَلرُّزُّ مَعَ السَّمَكِ ☐ أَلشَّايُ الْحَارُّ ☐
٥. فَصْلٌ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. ☒ أَلْخَرِيفُ ☐ أَلرَّبِيعُ ☐

٧ التَّمَرِينُ السَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

حَدَّادُونَ - شُرَطِيَّانَ - نَافِذَتَيْنِ - سَيِّدَاتُ - أَضْرَارُ - نِيَابَةُ - تَحْرِيرُ

تَحْرِيرُ	مفرد مذکر
نِيَابَةُ	مفرد مؤنث
شُرَطِيَّانَ	مثنای مذکر
نَافِذَتَيْنِ	مثنای مؤنث
حَدَّادُونَ	جمع مذکر سالم
سَيِّدَاتِ	جمع مؤنث سالم
أَضْرَارُ	جمع مکسر

ترجمه کنید و نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

۱. يا وَلَدِي، لَا تَيْأَسْ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدِرُ ^{مفاع} ^{امر} أَطْلُبُ وَاجْتَهِدْ.

ای پسرم در زندگیت ناامید نشو. تو می‌توانی بجواه و تلاش کن

۲. يَا بِنْتِي، اضْحَكِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ ^{مستقبل} غَدًا.

ای دخترم بر زندگی بخند. غمگین نباش. تو برنده‌ای. فردا موفق خواهی شد.

۳. ^{امر} اَنْصُرُوا أَصْدِقَاءَكُمْ وَلَا تَتْرُكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ ^{مستقبل} أَيْضًا.

دوستانان را یاری کنید و آنها را در مشکلات رایسان نکنید. پس آنها نیز شما را یاری خواهند کرد.

با توجه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

حَامِدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ مَسَاءً. يَنْهَضُ صَبَاحًا فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعًا، وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ يَتَنَاوَلُ فُطُورَهُ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النُّصْفِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِبًا لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالْدُّخُولِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرَحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمِهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثًا عِلْمِيًّا فِي الْإِنْتَرْنِتِ».

جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعَبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً، وَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِي نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعًا. مَا أَكَلَ الْفُطُورَ وَ مَا غَسَلَ وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكَبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ.

فَجَاءَ سَمِيعَ صَوْتِ الْمُعَلِّمِ:

«أُرِيدُ مُشَاهَدَةَ وَاجِبَاتِكُمْ».

فَتَحَّ حَامِدٌ حَقِيبَتَهُ وَفَهِمَ بِأَنَّ الدَّفْتَرَ لَيْسَ لَهُ، بَلْ لِأُخْتِهِ. نَدِمَ حَامِدٌ وَقَالَ فِي نَفْسِهِ:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مُنَظَّمًا!»



١. اشْتَرَى وَالِدُ حَامِدٍ حَاسِبًا لَهُ.



٢. حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنْ الْعُمْرِ.



٣. هُوَ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةَ ظَهْرًا.



٤. بَحَثَ حَامِدٌ عَنْ مَوْضُوعٍ رِیَاضِيٍّ فِي الْإِنْتَرْنِتِ.



٥. سَافَرَ وَالِدُهُ وَوَالِدَتُهُ لِمَهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةِ شَهْرَيْنِ.



إِلَى اللِّقَاءِ
فِي الصَّفِّ الْعَاشِرِ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحوّل بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌درسی ملّی جمهوری اسلامی ایران مشارکت معلّمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقّق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی برخط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلّمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلّمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را برعهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند، به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران برگزیده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن – پایه نهم – کد ۹۰۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	معصومه سپندار	چهار محال و بختیاری
۲	عصمت پارساییان	البرز
۳	پروانه حق شناس	گلستان
۴	عبدالرضا سبحانیان	گلستان
۵	ملیحه کوثری مقدّم	خراسان جنوبی
۶	سجاد اسدی دومکانی	چهار محال و بختیاری
۷	یدالله اربابی کرغند	خراسان جنوبی
۸	محمد ولی‌پور	آذربایجان شرقی
۹	امیر ایران‌پژوهی	تهران
۱۰	نعمان انق	گلستان
۱۱	رضا احمدی	قزوین
۱۲	مجید آیتی غفّاری	قزوین
۱۳	الهام ترابی	آذربایجان شرقی
۱۴	زهره مظفری	مازندران